

رئیس - بفرمائید

ملکالتجار - بنده میخواستم عرض کنم که ایشان در حقیقت پنجروز بیشتر مرخصی نخواستند اند برای اینکه از پنجم محرم تا دهروز که تعطیل است و حقیقتاً کمسیون پنجروز بیشتر تصویب نکرده است یک نفر از نمایندگان - صحیح است ملکالتجار - بلی صحیح است ( خنده بین نمایندگان ) میرزا بدالله خان پسر میگیرم رئیس - پیشهاد آقای عظیمی قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم لایحه پیشنهادی دولت راجع بعمل دریاچه ارومیه و بدقیانوس بکمسیون خارجیه نیز مراجعه شود زیرا این امر بمناسبت اینکه طرف تبه خارجیه خود را معرفی می کند در وزارت خارجه و کمسیون خارجیه سوابقی دارد که دقت نظر کمسیون مزبور را بنده لازم میدانم رئیس - ایشان تقاضا کرده اند این لایحه به کمسیون خارجیه مراجعه شود مخالفی ندارد؟

آقای سرکشیک زاده

( اجازه )

سرکشیک زاده - بنظر بنده چون این مسئله مالی است بکمسیون بودجه مراجعه شود

رئیس - اول که بنا بود بکمسیون بودجه مراجعه شود ایشان پیشنهاد کرده اند به کمسیون خارجه هم مراجعه شود اگر مخالفی نباشد رأی میگیریم

شیخ الرئیس - اجازه می فرمائید بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید شما که نمیگذارید کسی حرف بزند

شیخ الرئیس - بنده عرض میکنم مناسبت ندارد به کمسیون خارجه برود به جهت اینکه مربوط بکمسیون خارجه نیست حالا اگر دولت لازم میدانند چه عرض کنم ولی بمقیده بنده لزومی ندارد به کمسیون خارجه برود

عظیمی - گمان میکنم آقای شیخ الرئیس از موضوع کاملاً اطلاع ندارند این موضوع دوسیه های مفصلی در وزارت خارجه دارد در درجه چهارم هم دوسیه این امر در کمسیون خارجه بود بنده هم باین ملاحظه عرض کردم

رئیس - مخالفی ندارد؟

گفته شد خیر

( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )

م - شهاب

منشی - معظم السلطان

رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن الملک

جلسه ۴۳

صورت مشروح مجلس  
یوم پنجشنبه نهم اسد  
۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم  
ذیحجه ۱۳۴۲

( مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید )

( صورت مجلس هفتم اسد را آقای آقامیرزا شهاب الدین قرائت نمودند )

رئیس - مخالفی نیست؟ آقای شریعت زاده

( اجازه )

شریعت زاده - اسم آقای مصدق - السلطنه را در هداد فائین بی اجازه ثبت نموده اند

در صورتی که مجلس مرسمی یکماهه ایشان را اجازه داده است و هدم حضور ایشان مستند با اجازه بوده است و بمقیده بنده باید غائب معذور نوشته شود

رئیس - راپورت کمسیون هنوز قرائت نشده است حالا قرائت میشود ورأی میگیریم اگر رأی داده شد غائب با اجازه نوشته میشود

یک فقره راپورت کمسیون عرایض و مرخصی است قرائت ورأی گرفته میشود بعد وارد دستور میشود

( راپورت کمسیون مرخصی

راجع بمرخصی آقای مصدق السلطنه

بشرح آتی قرائت شد )

آقای مصدق السلطنه نماینده محترم بواسطه بروز کسالت یکماهه استعجاز مرخصی برای استراحت و استملاج نموده طبیب معالج هم لازم راحت و معالجه را ضروری دانسته تصدیق کرده است علیهذا کمسیون مرخصی بامشورت غیبت یکماهه ایشان را تصویب مینماید که از تاریخ هفتم اسدالی یکماهه غائب با اجازه ثبت شود

رئیس - رأی گرفته میشود باین راپورت آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد راپورت کمسیون بودجه راجع بیک دوازدهم چهارم امسال مطرح است

( بشرح ذیل قرائت شد )

کمسیون بودجه لایحه نمره ( ۱۰۰۲۱ ) ۱۳۶۵۳ ) دولت را در جلسه ۲۴ سرطان مورد بحث و مذاقه قرارداد و ماده واحده ذیل را برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که از بابت برج سلطان ۱۳۰۳ کلیه بودجه های مملکتی را معادل یک دوازدهم در حدود بودجه سه ماهیه ۱۳۰۲ بطور علی الحساب بپردازد

رئیس - آقای یاسائی

( اجازه )

یاسائی - بنده با این راپورت بدوجهت مخالفم اولاً باین ترتیب بودجه را تصویب کردن ( یعنی برای هر برجی یک دوازدهم در آتیه یک مشکلاتی برای وزارت مالیه از نقطه نظر مجاسیات تولید خواهد کرد چنانکه در سال گذشته هم همین طور بوده و شده است و اساساً ترتیب تصویب بودجه هم اینطور نیست که از برای هر برجی بیائیم و یک دوازدهم تصویب کنیم زیرا تشکیلات فعلی مملکت یک طوری است که بودجه هذالسنه ممکن است

موافق با تشکیلات سابق نباشد و ناچار بشود در آتیه یک استمداد هائی بکنند و بالاخره یک مشکلاتی برای وزارت مالیه و سایر وزارتخانهها ایجاد خواهد کرد

دیگر اینکه مطابق شکایاتی که از ادارات و دوائر ولایات میرسد هنوز وزارت مالیه موفق نشده است حقوق بروج سه گانه را که تصویب شده است بپردازند شاید در بعضی نقاط هنوز حقوق برج حمل ادارات آنجاها پرداخته نشده است و اگر وزارت مالیه وجهی حاضر دارد و پول در خزانه موجود است خوبست حقوق برج حمل و نور و جوزای آنها را بپردازند و پس از آنکه حساب آنها تصفیه شد آنوقت یک همچو لایحه بیاورند و تقاضای تصویب نمایند هیچ تفاوت نمی کند ثباتی که در فلان اداره فرضاً در سقز است حقوق می خواهد همچنین منشی هم که در مرکز مشغول خدمت است آن هم حقوق می خواهد همیشه در ایالات و ولایات اعضاء دوائر آخر برج که می شد مرتباً حقوقشان را می گرفتند و در مرکز حقوق ادارات و وزارتخانهها شش ماه و هفت ماه عقب می افتاد ولی حالا برعکس شده است و پولها را از ولایات جمع آوری می کنند و بجزانه داری می آید و حقوق وزارتخانهها را مرتباً می پردازند و حقوق ولایات عقب می افتد

علی ای حال تبعض می شده است چه حالا چه در سابق و بنده مخالفم و معتقدم مادام که وزارت مالیه حقوق برج حمل و نور و جوزای دوائر ایالات و ولایات را نپردازد بنده تصویب این لایحه مورد ندارد

مخبر - این اعتراضی که آقای یاسائی فرمودند دو قسمت است

یکی راجع است باینکه تصویب بودجه اینطور صحیح نیست البته این را بنده تصدیق می کنم که تصویب بودجه باین ترتیب صحیح نیست ولی از طرف دیگر هم تصور نمی کنم که کمسیون بودجه در این باب قصور و کوتاهی کرده باشد برای اینکه کمسیون بودجه هفته چهار جلسه مرتب داشته و به بودجه رسیدگی می کرده است و علت تأخیر دو چیز بوده است یکی اینکه کمسیون می خواسته است بودجهها را

طوری بنویسد که با قانون استخدام مطابق کند

دیگر اینکه کلیه بودجهها را یک مرتبه بمجلس بیاورد که هم جمع معلوم باشد هم خرج و چون در وزارتخانهها یک بودجه مرتبی نبود که با قانون استخدام مطابق کند این بود که یک قدری هم در تقدیم اینها تأخیر شد و چنانچه کمسیون پیش بینی کرده است امیدوار است برای آخرین برج بودجهها تهیه شود با این حال نمی شود حقوق ادارات خاصه یک مخارجی را که اگر خرج نشود برای دولت ضرر است معوق گذاشت

همه مخارج حقوق نیست و همه حقوق هم حقوق دوائر ایالات و ولایات نیست و دوائر ایالات و ولایات هم بطوریکه میفرمایند حقوقشان معوق نمانده است

در ولایات بعضی جاها است که حقوق تا آخر برج جوزای آنها پرداخته شده است و در مرکز آنجاهاست که لازم بوده است داده اند و یک مخارج ضروری که برای ادارات بوده آنها هم پرداخته شده در هر حال این وجه یک اعتباری است و اینکه می فرمائید بعد ممکن است برای وزارت مالیه تولید اشکالاتی بشود بنده عرض میکنم این لایحه را خود وزارت مالیه پیشنهاد کرده است و اگر می دانست اشکالاتی دارد پیشنهاد نمی کرد

رئیس - آقای طهرانی

( اجازه )

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده نقطه نظر مخالفتم بارتیس دولت با کمسیون بودجه یا نگرفتن اعضاء ادارات حقوق برج سرطان را نیست فقط در عمل چنانکه آقای یاسائی گفتند بنده هم معتزدم وزارتخانه البته مهم و اهم دارد نظام

نظمیه نقلیه اینها حتماً باید ماه بماه حقوقشان برسد ولی سایر وزارتخانهها در عرض هم دیگر هستند مثل وزارت معارف و وزارت عدلیه و غیره ولی غالباً دیده میشود که حقوق برج حمل و نور و جوزای وزارت مالیه را می دهند ولی نسبت باجزه وزارت معارف و معلمین بیچاره عطف توجهی نمی شود

چنانکه دوره چهارم نسبت به حقوق موقوفه آنها رأی رد دادند و مامی بینیم آن کسانی که حقوق بزرگتر و نمره های درشت تر دارند تمام حقوقشان را گرفته اند با اکثر آنها گرفته اند ولی اشخاصی که سی تومان و چهل تومان و پنجاه تومان حقوق دارند ششماه بشش ماه حقوق آنها به توفیق میافتد از این نقطه نظر عرض می کنم که وزارت مالیه بداند و کلا می دانند که در حقوق دادن تجزیه و تبیض می شود و نظر باینکه ما کیل عامه هستیم بنده هم مخالفت می کنم از برای اینکه تمام وزارتخانهها غیر از نظام و نظمی و قبله سایرین در عرض هم و باید علی التامی حقوق بگیرند نه اینکه

آن کسانی که دستشان توی پول است مرتباً حقوقشان را می گیرند اما معلمین بدبخت یا قضات عدلیه یا اعضاء وزارت داخله سه ماه و چهارماه حقوقشان عقب می افتد همیشه هشت ماه و نه ماه از دولت طلبکار می باشند و طلب کارهای آنها بنام اینکه یک برج تصویب شده است بآنها فشار میاورند و حال آنکه به آنها داده نمی شود باینجه بنده مخالفم .

**وزیر مالیه** - بنده اظهارات آقای طهرانی و یاسائی را کاملاً تکذیب می کنم اینکه می فرمایند وزارت مالیه در پرداخت حقوق تبعیض می کند اینطور نیست ترتیب پرداخت حقوق در وزارت مالیه بسته به وضعیت خزانه است یعنی اگر باندازه کلیه مخارج مملکتی در خزانه پول باشد آنوقت تمام مخارج را خزانه می پردازد و برای سه برج گذشته هدهالسه که مجلس تصویب کرده و اجازه پرداخت داده است وزارت مالیه تا آخر جوزا باندازه که وضعیت خزانه اجازه میداد یا ملاحظه الاهم فالاهم حقوق داده است

اما اینکه فرمودند وزارت مالیه پول ولایات را در مرکز جمع نموده و بمصرف مخارج وزارت مالیه یا وزارتخانههای دیگر میسراند اینطور نیست برای اینکه هنوز حقوق برج جوزای وزارت جلیله چنگ هم که باستی پرداخته شود و بمقیده آقای طهرانی باید مقدم باشد پرداخته نشده است و این يك دوازدهم که برای برج سرطان تقاضا شده است این يك اعتباری است که خواسته می شود و بطوریکه آقای مغیر فرمودند يك مخارجی است برای بهره برداری دولت که اگر بمصرف نرسد ممکن است ضرر و خسارتی برای دولت فراهم بیآورد و این اجازه هم که مجلس می دهد مفهومش این نیست که وزارت مالیه فوراً تمام مخارج وزارتخانهها را تأدییه نماید بلکه این يك اجازه است که داده می شود و هر وقت وضعیت خزانه اجازه بدهد عمل می شود و تبعیض هم نخواهد شد

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است و بعضی اظهار نمودند کافی نیست)

**رئیس** - رای می گیریم بکفایت مذاکرات

آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - معلوم می شود کافی است . رای گرفته می شود بماده واحده اوردن آقایانی که تصویب می کنند و رقه سفید والا و رقه کبود خواهند داد

ولی پیشنهادی از طرف آقای نظم الملک رسیده است قرائت می شود و تکلیف آن که معین شد آنوقت در خود ماده واحده رای گرفته می شود

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل به ماده واحده علاوه شود:

مأمورین خارجه که مشمول قانون مصوب ۱۶ حمل ۱۳۰۱ و هنوز در مقام خود باقی هستند حق دریافت حقوق از بابت يك دوازدهم فوق الذکر ندارند

**مخبر** - مضمون پیشنهاد آقای عطیعی منظور نظر آقایان اعضاء کمیسیون بود منتهی لازم ندانسته اند که در اینجا نوشته شود در خود بودجه وزارت خارجه هم این منظور کاملاً تأمین شده است و ایشان میتوانند کاملاً مطمئن باشند

**نجات** ( خطاب به مخبر ) - قبول کنید .

**مخبر** - بسته برای مجلس است

**رئیس** - آقای نظم الملک ( اجازه )

**نظم الملک** - بنده از این فرمایش آقای عداد السلطنه که فرمودند نظریه بنده تأمین شده است نمی توانم مطمئن شوم الان مجلس تصویب می کند که حقوق برج سرطان وزارتخانهها و مخارج دولتی را مطابق سته ماضیه يك دوازدهم بپردازند - و آیا این مأمورین حقوق خواهند گرفت یا خیر؟ اگر حقوق بگیرند مقصود بنده تأمین شده است و اگر نگیرند مقصود بنده تأمین نشده است .

**مخبر** - مأمورین خارجه آنها تیکه مشمول قانون ۱۶ حمل هستند از این بابت حقوق نخواهند گرفت برای اینکه در بودجه وزارت خارجه با حضور آقای وزیر مالیه و رئیس مالیه تصریح شده است که حقوق آنها عجلتاً توقیف است

**رئیس** - رای می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد

آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

**رئیس** قابل توجه شد - لایحه نفت در ماده ۱۴ مطرح است

( اکثر قیام نمودند )

**آشتیانی** - اجازه می فرمائید؟

**رئیس** - بفرمائید

**آشتیانی** - در موضوع ماده واحده رای را تمام نفرمودید

**رئیس** - چون پیشنهاد قابل توجه شد مراجعه می شود بکمیسیون و بر طبق ماده ۶۳ نمی شود رای گرفت ( خطاب به مخبر کمیسیون نفت ) موادیکه به کمیسیون مراجعه شده بود هنوز رایرتش داده نشده است ؟

**مخبر** - سه ماده هشت . یازده . سیزده . که بکمیسیون مراجعه شده بود دیروز در کمیسیون قطع شده و بنده فرصت نکردم راپرت آن را بنویسم و تقدیم کنم ولی اگر اجازه می فرمائید اصلاحات را شفاهاً عرض کنم و آقایان بنویسند یا اینکه قبل از ظهر کمیسیون تشکیل شود راپرت آنها تقدیم شود .

**رئیس** - راپرت آنها در موقع نفس

بدهید و بعد از نفس رای گرفته می شود

**مخبر** - بسیار خوب

**رئیس** - ماده چهاردهم قرائت می شود .

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده ۱۴ - صاحب امتیاز قبول میکند مجاناً و بلاعوض يك عده یا صدی چند از سهام اولین کمیانی همین که مطابق ماده ۱۰ این امتیاز تشکیل شد بدولت واگذار نماید این عده یا صدی چند از سهام باستانی قیمت آنها معادل سی هزار استرلینگ باشد و مشترکهای فرعیه آنها خواهد بود با اینحال دولت ایران حق دارد اگر مایل باشد در آتیه سهام خود را که از کمیانی اولیه داراست با سهام سایر کمیانی ها و مشترکهای فرعیه آنها که بعداً تشکیل شود بدون هیچ شرطی عوض نماید فقط قیمت اسمی آنها باید معادل هم باشد

**رئیس** - آقای مشار اعظم

**مشار اعظم** - موافقم

**رئیس** - آقای تدین

**تدین** - موافقم ولی يك کله اش گویا افتاده است

**مخبر** - صحیح است حذف شده است .

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب** - موافقم ولی اشکالی دارم و می خواستم يك توضیحی از طرف مخبر یا یکی از اعضاء کمیسیون داده شود .

**رئیس** - پیشنهاد کنید .

**آقا سید یعقوب** - چیزی نیست که پیشنهاد توضیحش کند این ماده چهاردهم از آن موادی است که کمیسیون منافع دولت را در اینجا ملاحظه کرده است و در این ماده نوشته شده است که کمیانی باید سی هزار لیره بدولت ایران بدهد اما اینکه نوشته شده است : با این حال دولت ایران حق دارد مایل باشد در آتیه سهام خود را که از کمیانی اولیه داراست با سهام سایر کمیانی ها و شرکتهای فرعیه آنها که بعداً تشکیل شود بدون هیچ شرطی عوض نماید .

میخواهم عرض کنم این چه فایده دارد این مطلبی که کمیسیون ملاحظه کرده است برای دولت نقش چیست ؟ آنچه بنده تصور میکنم نقش فقط برای همان کمیانی اولی است دیگر چه فایده دارد که در این ماده نوشته شده است دولت میتواند سهامش را با سهام سایر کمیانیها و شرکتهای فرعیه عوض نماید .

**مخبر** - ممکن است تصور کرد کمیانیهایی که بعد تشکیل میشود آنها بهتر باشد باین جهت اختیاری برای دولت گذاشته شده است که اگر کمیانیهای فرعی بهتر بود دولت میتواند این کار را بکند و اگر کمیانی اولی بهتر بود البته معاوضه نخواهد کرد .

**رئیس** - آقای محمدولی میرزا ( اجازه )

محمدولی میرزا - بنده در پیشنهاد می خواستم بدانم که بچه علت دولت را از مشترک و سهم بودن در کمیانیهای فرعی معروم داشته اند در ماده سیزده نوشته شده است سهم دولت از باب این امتیاز لااقل معادل بیست درصد از عایدات خالص کمیانی صاحب امتیاز در صورتیکه مستقیماً باستمی از این امتیاز را بوقوع عمل بگذارد و هر کمیانی و کمیانیها و شرکتهای فرعیه خواهد بود چه شده است که در داشتن سهام اولی دولت را معروم کرده است .

دیگر اینست که در اینجا استرلینگ نوشته شده است و لیره نوشته نشده است قیمت آنها معادل سی هزار استرلینگ باشد بنده می خواستم بدانم که آیا این سی هزار استرلینگ مربوط بموقعی است که کمیانی سهام خودش را چاپ میکند و تقدیم دولت می کند .

دیگر اینکه این سهام يك قیمت اسمی دارد و يك قیمت بازاری ناممکن است سهام صالیره باشد ولی در موقع دادوستد از طرف کمیانی شصت لیره بیشتر تأدییه نشود آیا بهمان قیمت با دولت محسوب خواهد داشت یا با آن قیمت معنوی بازار .

**مخبر** - اولاً این اعتراض هیچ مناسبتی با حق دولت ندارد این سی هزار لیره سهم که داده میشود يك چیزی است بلاعوض و مجانی و تعارف ( یا هر چیزی می خواهید اسمش را بگذارید ) و مربوط بحق و سهام خریداری دولت نیست و آن نکته را که نماینده محترم ذکر کردند در اینجا مورد نداشت نسبت بآن قسمت ثانوی که میگویند بچه قیمت خواهد بود .

این جا مکرر ذکر کردیم که این سهام قیمت بازار ندارد و قیمتش همان قیمت اسمی است که روی سهام نوشته شده است

**رئیس** - آقای رئیس التجار ( اجازه )

**رئیس التجار** - در این ماده بنویسد سی هزار استرلینگ چون استرلینگ پول انگلیسی است و این کمیانیها در آمریکا تشکیل می شود این است که بنده پیشنهاد کردم که اگر بجای آن دلار نوشته شود بهتر است دیگر اینست که بنویسد : دولت ایران حق دارد اگر مایل باشد در آتیه سهام خود را که از کمیانی اولیه داراست با سهام سایر کمیانیها و شرکتهای فرعیه آنها که بعداً تشکیل شود بدون هیچ شرطی عوض نماید فقط قیمت اسمی آنها باید معادل هم باشد .

چون سهام شرکتهای اولی البته قیمتش ترقی میکند و ممکن است دولت يك وقتی بخواد این سی هزار لیره خودش را عوض کند با سهام يك کمیانی که صالیره اش نود لیره باشد ولی سهام دولت صالیره اش صد و بیست لیره است باین جهت

پیشنهاد کردم که اگر موافق نرخ روز و بازار سهام را عوض کنند بهتر است .

**رئیس** - آقای مشار اعظم ( اجازه )

**مشار اعظم** - بنظر بنده این ماده یکی از بهترین موادی است که در این امتیاز نوشته شده اولاً ایرادتی که شاهزاده محمد ولی میرزا فرمودند هیچ وارد نیست برای اینست که دولت در همه جا عنفتمت صدی سی از سهام خود را از این کمیانی یا شرکتهای دیگری که تشکیل میشود خواهد داشت و این سی هزار لیره هیچ مربوط بآن قضیه نیست ببلاده این سی هزار لیره را که کمیانی به دولت تسلیم میکند دولت این سهام را میتواند همیشه با سایر سهام معاوضه کند و این بصره ما است برای اینست که سهام با آن حدودی که برایش معین کرده اند ممکن است همیشه تنزل یا ترقی قیمت داشته باشد و دولت سهام خودش را ممکن است با سهام سایر شرکتهای عوض کند و میتواند همیشه از این کار منتفع باشد و اینست که آقای رئیس التجار پیشنهاد کرده اند که استرلینگ بدلار تبدیل شود هیچ لازم نیست زیرا قیمت استرلینگ همیشه در دنیا معین است و پولی است که در دنیا اعتبار و رواج کامل دارد و اسم لیره هم لازم نیست برای اینست که لیره اهم از لیره عثمانی یا انگلیسی است ولی استرلینگ مخصوص همان لیره انگلیسی است .

**مخبر** - نه آقا ذکر لیره لازم است .

**مشار اعظم** - بالاخره بمقیده بنده این ماده هیچ تغییری لازم ندارد .

( جمعی گفتند مذاکرات کافی است بعضی گفتند کافی نیست )

**رئیس** - رای می گیریم بکفایت مذاکرات

آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - معلوم میشود کافی است . رای می گیریم بماده ۱۴ .

**حائری زاده** - بنده پیشنهادی دارم . ( در این موقع پیشنهادی از طرف شاهزاده شیخ الرئیس رسیده بشرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم کله طلا نوشته شود .

**مخبر** - کمیسیون نمی تواند قبول کند برای اینست که لیره استرلینگ کلیتاً طلاست و هیچوقت کاغذی نیست .

**رئیس** - آقای شیخ الرئیس ( اجازه )

**محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - چون مکرر دیده ایم هر یک از پولهای خارجه که طلاست بعضی ها کاغذی هم دارد حالا اگر میفرمائید استرلینگ يك کله ایست که معنی طلا در آن هست و استرلینگ کاغذی تصور نمی شود و تا بنجام سال دیگر استرلینگ کاغذی باید تمام شود و این يك علت خارجی باید

میگیرم والا يك کله را پذیرفتن اشکالی ندارد .

**رئیس** - شاهزاده شیخ الرئیس پیشنهاد شان را پس گرفتند پیشنهاد آقای حائری زاده .

( باین ترتیب خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم عوض سی هزار لیره اقلاً چهل هزار لیره نوشته شود .

**رئیس** - توضیح بدهید

**حائری زاده** - اصلاً باید فهمید که نقطه امروز نامرغوب تر از بیست سال پیش شده یا مشتری دیگری پیدا نکرده ؟

در بیست سال پیش وقتی که داری امتیاز فقط جنوب را از دولت ایران گرفت چهل هزار لیره بلاعوض و مجانی بدولت ایران سهم داده است .

**تدین** - بیست هزار لیره حائری زاده - بیست هزار لیره پول نقد بوده و بیست تا هم سهام این فصل و هم نقطه جنوب است میخوانم .

**فصل دوم** - بین صاحب امتیاز از يك طرف و شرکتهای که تشکیل میشود از طرف دیگر قرار داده خواهد شد . نه این نیست . . .

**رئیس** - خوب حالا لازم نیست بخوانید .

**حائری زاده** - این ماده را برای آقایانی که هم میکنند لازم است قرائت کنم .

بین صاحب امتیاز از يك طرف و شرکتهای که تشکیل میشود از طرف دیگر قرار داده خواهد شد که يك ماه بعد از تأسیس رسمی شرکت اول صاحب امتیاز مکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیست هزار لیره سهام پرداخته شده شرکت اول که بموجب فصل قبل تشکیل شده بدولت علیه بدهد حالا ما امروز میخوانیم به بنیم که نقطه نامرغوب تر شده یا نظریات دیگری در امتیاز نفع است .

همین مواد است که برای ما تولید سوه ظن میکند و مجبوریم در اطراف هر ماده آن مذاکرات مفصلی بکنیم بجهت اینکه ما داخل مذاکره با شرکتهای دنیا نشدیم که به بنیم کدام بیشتر از این قبول میکنند نود ماهم صاحب امتیاز را ندیدیم که به بنیم بیشتر از این مبلغ را قبول میکنند یا نه فقط ما با دولت ها طرف مذاکره هستیم و هر مذاکره هم که با نماینده کمیانی در کمیسیون می شود آقایان میگویند این مسئله را کمیانی قبول نمیکند قانونی هم که دوره پیش گذشت بهمین تأثیر از مجلس گذشت و الا در قانون سهم بندی کردن معنی نداشت .

برای اینکه معامله وقتی دو طرفی شد ما خودمان بیایم و سهم بندی کنیم معنی ندارد آنروز هم همین حرف ها در مجلس بود که کمیانی قبول نمیکند ما نمی دانیم مگر کمیانی دیگری در دنیا پیدا نمیشود ؟

این امتیاز هم بضرر مملکت ما باید تمام شود و این يك علت خارجی باید

داشته باشد والا نفت از بیست سال پیش نامرغوب تر نشده و گمان نمیکند که ما هم سقیه تر از بیست سال پیش شده .

بله که بایست تجربیاتمان زیاد تر شده باشد .

و آن امتیاز داری که همه ما همتاقت هستیم که چندان بمنفعت ایران نیست باز ۴۰ هزار سهم لیره در ابتدای تأسیس شرکتش بایران داده حالا این کمیانی ۳۰ هزار لیره می دهد و باید يك علت خارجی داشته باشد .

**آقا سید یعقوب** - علتش اینست که بغیر از آمریکائی بدیگران نمیخواهیم بدهیم

**رئیس** - ( خطاب به حائری زاده ) جناب - عالی از حدود ادب و نزاکت خارج شدید .

**مخبر** - این اعتراضی میفرمایند به نظر اعتراض واردی می آید برای اینکه می فرمایند چرا ۳۰ هزار لیره است و چهل هزار لیره نیست یا چهل هزار لیره که است چرا ۳۰ هزار لیره نیست و همینطور الی ماشاء الله ولی این مقایسه که میفرمائید و آن دلیلی که همراهش میآورد اگر بآن دلیل توجه بفرمائید می بینید این دلیل هیچ موردی ندارد .

بنده مکرر عرض کردم که این امتیاز با آن امتیاز قابل مقایسه نیست باید شرایط را دید باید دید در آن امتیاز نامه چه تعحیلاتی برای دولت است که در این امتیاز نامه نیست .

آیا در آن امتیاز صدی سی سهام برای دولت است یا نه ؟ آنجا صدی ۱۶ بیشتر بدولت نمی دهند در صورتیکه در این امتیاز حق دولت صدی بیست است و فقط برای مصرف داخله مملکت بقیمت ارزان نام می شود .

اینها هیچ کدام در آن امتیاز پیش بینی نشده و در دوره سابق هم که این قانون بمجلس آمد این مطلب در آن نبود در کمیسیون نفت که خود آقای مدرس هم در آن تشریف داشتند در نتیجه يك سلسله مذاکرات طولانی و مخابرات با آمریکا این مسئله صورت گرفت ابتدا آنها از بیست هزار لیره بالا نفرقتند تا اینکه بالاخره باین اندازه حاضر شده اند امتیاز نفت جنوب را هم مایه بودیم و مجلس دوره ۴ هم دیده بود .

اگر اینطور بود همیشه می شد این فکر را کرد که این اعتراض بشود ما هر وقت خواستیم این اعتراض را بکنیم مطابق همین دلایلی که عرض کردم آنها رد کردند و خودمان تصدیق میفرمائید يك امتیازی که برای اوضاع اقتصادی و منافع اساس مملکت داده می شود يك چیزی نیست که نیست که سی هزار لیره بیایم آنرا نگوئیم یا آنرا سست بکنیم ماه هزار لیره را قابل این قدر ملاحظه کرده اندستیم و اهیتی باین ده هزار لیره باین یا بالا اندازیم

**رئیس** - رای گرفته میشود بقبول توجه

بودن این پیشنهاد

مدرس - بنده هم چون عضو کمیسیون هستم خواستم يك توضیحی بدهم که رفع شبهه از طرفین بشود اگر قانونی شود والا خیر .

**رئیس** - مطابق نظامنامه حق ندارید آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

( عده قلیلی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه شد - رای گرفته می شود باصل ماده .

در سطر دوم ماده ( ۱۰ ) نوشته شده است باید نوشته شود ( ماده یازده ) در سی هزار استرلینگ هم باید لفظ لیره اضافه شود باین دو فقره اصلاح رای می گیریم بماده ۱۴

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده یازدهم ( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده ۱۵ در هیئت مدیره کمیانی که این امتیاز را بوقوع عمل خواهد گذارد و هر یک از کمیانیها و شرکتهای فرعیه آنها که مطابق ماده ده این امتیاز تشکیل می شود دولت بنام خود و از جانب ایرانیان صاحب سهام حق خواهد داشت به نسبت عده سهامی که دار باشند نماینده داشته باشند و در هر جای دولت لااقل خمس آراه حق تعیین مدیران را تا میزان صدی سی خواهد داشت .

در صورتیکه کلیه سهامی را که به موجب ماده دهم می تواند داشته باشد تحصیل نموده باشد و در هر صورت صدی بیست از مدیران را لااقل خواهد نمود هر چند کلیه سهامی را که خود دولت و اتباع ایران حق دارند تحصیل نمایند تحصیل نکرده باشند علاوه در مجامع عمومی صاحبان سهام هر دولت و هم صاحبان سهام ایرانی حق حضور و بنا بر این حق رای به نسبت عده سهامی که دارند خواهند داشت

**رئیس** - آقای مشار اعظم ( اجازه )

**مشار اعظم** - موافقم

**رئیس** - آقای تدین ( اجازه )

**تدین** - موافقم

**رئیس** - آقای داور ( اجازه )

**داور** - موافقم

**رئیس** - آقای حائری زاده ( اجازه )

**حائری زاده** - این یکی از مواد خوب این امتیاز نامه است ولی کاملارهایت صرفه و صلاح بآن شکلی که باید نشده است و این یکی از امتیازاتی است که این ماده نسبت بامتیاز نفت خوب دارد .



که ملاحظه می کنیم میتوان گفت که دولت ایران باین کمیانی یک شکر کنی کرده اراضی نفعلی مال دولت ایران بول داده سرمایه علم و عمل آن کمیانی دست روی هم چهارمائل که اراضی نفعلی باشد سرمایه کمیانی باشد

علم و عمل که در آنجا عملی میشود با آنها ایجاد منافع میکنند که باید بیک تناسبی این منافع قسمت شود

حالا سهم ما را قسمی قرار داده اند کم یا زیاد آن یک منعی است که راجع باین ماده نیست

ولی در این ماده در هیئت مدیره بر- حسب این سهمی که برای ما منظور داشته اند خمس آنرا حقا باید ملی ما باشد برای اینکه ما در منافع و مضار با کمیانی شریک هستیم

یعنی دولت ایران از آن عایدات خالصی که تقسیم میشود

اولا یک پنجم آنرا برای حق الارض میگیرد و با پنجم دیگر بین شرکاء قسمت می شود

پس یک خمس آنرا که حقا مال دولت است باید داشته باشیم

در یکی از مواد دیگر نوشته که صدسی سهام رادولت و رعایای ایران حق دارند خریداری نمایند اگر ما آن صد سی را بولی پیدا کردیم و خریداری نمودیم

چون جزء آمال نیست که در اینجا نوشته اند

لذا باید صدسی از آنرا آنجا را هم برای آن سهام دارا باشیم

فرض میکنیم صدویست را از پنجم سهم از بابت قسش دولت ایران باید بیست و پنج سهم در آنرا حق شرکت داشته اند سی سهم از صد سهم از بابت سهامی که حق دارد خریداری کنند و شاید بتوانند آنرا بپایند شکر کنند

این میشود ۵۰ سهم از ۱۲۰ سهم که در صورتیکه آن صدسی را هم خریداری کنیم

پس اگر خریدیم حق ماده آن قسمت صدسی بپایمال شده و این م حدود کردن پایتنگه

در هر حال دولت لااقل خمس آنرا را دارا خواهد بود

حق ما را بکلی پایمال می کند و بنده می گویم که این یکی از موادی است که باید منفعت دولت ایران کامل در آنجا گنجانیده شود ولی کامل نفع دولت ایران منظور نشده

من منقسم که از روی تناسب سهام ( اگر بول پیدا کردیم و خریدیم ) حق شرکت در هیئت مدیره در آراء عمومی ایشان بما بدهند که در آنجا حق ما ضایع نشود

رئیس آقای مشار اعظم اجازه

مشار اعظم - منظور آقای حائری - زاده این است که غیر از آن حق که دولت در صدی بیست دارد در آن قسمت صدسی هم که اتباع ایران از سهام میخرند حق تعیین مدیر و هیئت مدیره داشته باشند اما در آخر ماده ذکر است

در مجامع عمومی صاحبان سهام هم دولت هم صاحبان سهامی ایرانی حق حضور و بنا بر این حق رأی به نسبت عده سهامی که دارند خواهند داشت

در مجامع عمومی منظور آقای حائری زاده کامل رعایت شده و در مجامع عمومی مطابق سهامی که خریدند حق رأی دارند

بنده گمان می کنم خمس از آنرا را که بدولت ایران می دهند برای اینستکه اظهار نظر در قضایا بکنند کافی بعلاوه باید دانست که در آنجا اظهار نظر در مسائل اقتصادی است برای تأسیسات جدید و تشکیل مؤسسات و کمیانی های فرعی این هیئت مدیره که تشکیل می دهند

برای انتظام امور داخلی کمیانی است و برای رفع يك اختلافاتی نیست که اگر ما یک خمس آنرا را بیشتر نداشته باشیم از این جهت دوچار اشکال شده باشیم

اگر بنا شد یک مخالفتهای هم بر بخوریم آن مطابق مواد دیگری که تصریح شده است

بآنطور انجام میگیرد بنا بر این این خمس آرائی که قرار داده اند مال دولت باشد برای اظهار نظر در امور کمیانی یا نظریات جدیدی که کمیانی پیدا میکنند کامل کافی خواهد بود و دیگر هیچ لزومی ندارد که برای آن قسم صدسی هم که خریداری میکنیم ( یا اینکه صاحب سهام ایرانی در مجامع عمومی حق حضور دارند ) يك اشکالاتی برترسیم که چون ما اینجا صدی بیست داریم و از آن طرف هم احتمال دارد صدی سه از سهام را بخیریم باید نصف آنرا مال ما باشد یا بقول آقای حائری زاده صدی پنجاه و پنج

بنده گمان می کنم که در این مسئله چون اهمیت ندارد ایراد باین موضوع هیچ مورد نخواهد داشت و لازم است که ما آنرا را طولانی نکنیم و زودتر باین ماده رأی بدیم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم همین ایراد را که آقای حائری زاده کردند بنظر من آمد و دفاع آقای مشار اعظم را هم بنده کافی میدانم بجهت اینکه اولاً این نمایندگان مدیران برای این است که رأیشان منمخلت داشته باشد و برای حفظ منافع ایران باشد

اولا اگر در قابلیت بیفتد لاری لن لایطباع خواهد بود

وقتی نباشد کم شود فایده ندارد و منافع دولت ایران حفظ نخواهد شد بدیهی است يك صدی بیست که باید از منافع بدولت ایران بدهند و يك صدی هم که ما حق داریم بخیریم بنده عقیده دارم و همینطور هم پیشنهاد کردم که بهمان اندازه که از آن صدی سی می خریم دولت حق داشته باشد که بنده نمایندگان هیئت مدیره خود را بفرزاید و بنا بر این خمس مدیران بعقیده بنده کافی نیست و پیشنهاد هم همین طور داده ام و اگر توضیحی مجدداً لازم شد میدهم

( بعضی گفتند مذاکرات کافی است )

مخبر - بنده می خواهم يك توضیحی بدهم که مطلب رد شده باشد

برای اینکه آقای مشار اعظم در توضیحاتی که دادند يك قدری مطلب را روشن نکردند صدی سی از سهام حق میدهند همین طور که در ماده هم ذکر شده مطابق اصول تمام شرکتهای دنیا که این صاحبان سهام در مجامع عمومی حاضر شوند

مجموع عمومی غیر از هیئت مدیره است

هیئت مدیره از مجموع عمومی معلوم می شود و در آنجا از یک به صاحبان سهام میدهد این است که رأی با قابلیت و اکثریت است بعضی اگر صدی سی سهام را دولت و اتباع ایران بخیرند و حقا مطابق اصول معمولی بخواهند عمل کنند باید در مجامع عمومی معادل صدی سی رأی داشته باشند ولی در این هیئت مدیره يك نماینده هم با صدی سی از سهام پیدانمی کند

ما آمده ایم اینجا يك کاری کردیم که خود آقای حائری زاده شاهدند که فوق - العاده نفع ایران بوده و خیلی هم زحمت کشیدیم

یعنی در مقابل صدی بیست حق دولت آنها خواستند يك خمس از هیئت مدیره را بمانند ما آمدیم و گفتیم که خیرا اگر صدی سی را خریدیم هم از اینکه در مجموع عمومی اکثریت داشته باشیم یا نداشته باشیم تنها صدی سی با حق رأی میدهند آنها قبول کرده اند حالا اگر ما بخواهیم آن دو را هم بفرزاییم یعنی بیست تا را بکجا بگیریم و سی تا را هم يك جا بگیریم عرض کردیم که حقا معمول نیست و يك کسی که هفتاد را خرج میکند

بول می گذارد زحمت می کشد هیچ وقت قبول نمی کند که در هیئت مدیره ما اکثریت داشته باشیم

معلوم نیست که اکثریت داشتن آنها برای ما مفید باشد برای اینکه همانطوریکه همانطوریکه آنها حفظ منافع خودشان را می کنند در ضمن حفظ منافع ما را هم اگر بدارند که پیشنهاد بنده باقی بماند

خواهند کرد و باز هم معلوم نیست که اکثریت داشتن مادر این قضایای فنی برای حفظ منافع خودمان کافی باشد و بهتر از آنها بشواییم - حفظ منافع خودمان را بکنیم

حائری زاده - اجازه بدهید توضیح بدهم چون رعایت بنده اشتباه شده است رئیس - توضیح بدهید

حائری زاده - آن جائیم که بنده عرض کردم اکثریت آراء هیچ وقت با ما نمی شود بجهت اینکه مرض کردم از صدویست و پنج سهم يك خمس هم که مال ما باشد صدی سی را هم ما خریداری کنیم این میشود و پنج و پنج هفتاد او دارد پنجاه و پنج مسا داریم و با وجود این اکثریت با ما نیست

رئیس - این توضیح نبود

حائری زاده - اشتباه شده بود و می خواستم رفع اشتباه بشود

رئیس - این ماده قرائت می شود از برای اینکه از لفظ توضیح سوء استفاده نکنید

( ماده صد و نه نظامنامه داخلی شرح ذیل قرائت شد )

ماده صد و نهم اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمت بیکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تیرت و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد

حائری زاده - اجازه بفرمائید

رئیس - توضیح دیگری دارید؟

حائری زاده - خیر می خواهم عرض کنم مطابق همین ماده بنده توضیح دارم چون اشتباه شده بود خواستم رفع اشتباه بکنم

ایشان میخواستند بیان کنند که باین طریقی که تو گفتی اکثریت بایران میشود بنده خواستم عرض کنم در این صورت هم که من بیان کردم اکثریت بایران نباشد رفع اشتباه کردم

رئیس - نه آقایین توضیح نبود پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که در صورتیکه هر اندازه از صدی سی که اتباع ایرانی حق دارند بخیرند و خریدند بهمان اندازه حق داشته باشد دولت ایران که بنده مدیران خود علاوه بر صدی بیست که در این ماده ذکر شده بفرزاید

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا عبدالوهاب - توضیحش را بنده دارم و حالا هم همان است که عرض کردم صدی بیست که حق دولت است این عده سهامی را که بخیرند به پنجم حق نمایند و مدیر در هیئت مدیره دارند یا نه را می کنند در ضمن حفظ منافع ما را هم اگر بدارند که پیشنهاد بنده باقی بماند

گردد از آنکه پیشنهاد بنده مورد ندارد رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - واگذار بنظر مجلس است کمیسیون نمیتواند موافقت کند

رئیس - رأی میگیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رأی گرفته می شود بصادق بانزدهم آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند

( اقلب قیام نمودند )

رئیس تصویب شد ماده ۱۶

شرح ذیل خوانده شد

دولت هر مقدار در اراضی بایر که متعلق بخودش باشد و مهندسین صاحب امتیاز بهر اسم و رخم برای عملیات لازم بدانند و طرف احتیاج این امتیاز باشد معانق بلاعوض و اگذار خواهد نمود مشروط بر اینکه اراضی مزبور برای ساختن ابنیه دولتی اختیار نشده باشد

اما راجع باراضی دایر متعلق بدولت صاحب امتیاز حق خواهد داشت آنها را خریداری نموده

بایقیت عادلانه معلی اجازه نماید و همچنین صاحب امتیاز حق خواهد داشت سایر اراضی وابسته که متعلق بغير اعم اراضی باشد بشرایط طرفین خریداری یا برای نام مدت امتیاز اجازه نماید در صورت بروز اختلاف بین مالک اراضی و صاحب امتیاز دولت با رعایت خصوصیات معلی نخواهد گذاشت که در فروش یا اجازه اجاعاف شود بدیهی است

مساجد و قبرستانها و زیارتگاهها و سایر امکنه متبرکه که متملقات آنها تا فاصله دوست و پنجاه ذرع از هر طرف از مفاد این امتیاز خارج است

مشروط بر اینکه در این اراضی اشخاص دیگری استخراج نفت و سایر مواد معدنی فوق را نتوانند

نسبت باراضی وقف دولت مساعدت های لازم خواهد کرد

در صورتیکه مقتضیات اجازه بدهد بطور اجازه تصاحب کند امتیاز واگذار شود صاحب امتیاز قبول میکند که از تاریخ تصویب این امتیاز در مجلس شورای ملی هر یک از اتباع ایران از جاهای و چشمای نفعلی حقیقتاً تحصیل نفعلی می - نموده اند که مستقیماً از آن جاهای و چشمه ها و باغیر مستقیم

از صاحب امتیاز بجز آن مقدار نفعلی که در تاریخ مذکور از جاهای و چشمه های مزبوره استفاده می کردند تحصیل بنمایند اما در صورتیکه اختلافی دست دهنده کسی نخواهد زاید بر آنچه ذکر شد استخراج نفت کند دولت از صاحب امتیاز دفاع خواهد کرد

وزیر مالیه يك توضیحی دارم اینجایک جمله هست

باز رعایت خصوصیات معلی بضرر میکنم در موقع طبع راپرت کمیسیون اشتباه شده است بواسطه اینکه این مسئله در کمیسیون مذاکره شد و با وزیر امور خارجه یا نماینده حکمیانی مذاکره کردیم

باز رعایت خصوصیات معلی را قبول کرد و گفت همیشه باعث تولید اشکالات خواهد شد

از جانب دولت تقاضا میکنم این عبارت حذف شود

دست غیب اشکال بیشتر شد

مخبر - علت اینکه در راپرت مانده است این بوده است که فرض میشده است توافق نظردولت حاصل است البته حالا اگر دولت اظهار عدم توافق نظر میکند

اگرچه بکمیسیون مراجعه نکردم ولی تصور می کنم کمیسیون مضایقه از حذف نداشته باشد

رئیس - اول باید فهمید عقیده کمیسیون چیست چون راپرت کمیسیون مطرح است

مخبر - اجازه بفرمائید در نقش نظر آقایان اعضاء کمیسیون را در این باب اتخاذ می کنم و بعد عرض می کنم

رئیس - مخالفی نیست در این باب (جمعی گفتند خیر)

رئیس - ماده ۱۷ (شرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۷ - کلیه اراضی که بصاحب امتیاز واگذار میشود یا صاحب امتیاز خریداری مینماید و تمام مایملک صاحب امتیاز اتومبیل ابنیه و ملزومات اتانیه ماشین اول و غیره هر چیز دیگری که بموجب این امتیاز استعمال شده یا برای استعمال تهیه شده باشد

همچنین تمام مواد حاصله تصفیه شده در موقع صدور راز مملکت و یا یکبار برای صدور ذخیره شده باشد

در تمام مدت امتیاز از ادای حقوق گمرکی و مالیات و سایر عوارض معاف خواهد بود

این معافیت شامل کلیه مالیاتها و عوارضی است که بر ارض و اموال غیر منقول و معادن و میناء و سرمایه و عایدات و حقوق صادره و وارده و هر گونه مالیاتها و عوارض بهر اسم و رسم که فعلاً بر - قرار است

و با در آتیه بتوسط دولت یا مقامات دیگر اعم از ایالتی و ولایتی و بلدی و محلی و غیره خواه ثابت خواه موقت باشد باستثنای عوارضی که برای مواد نفعلی مصروفه در داخله ایران از طرف دولت برقرار شود چنانچه در ماده یازده قسمت

( ه ) پیش بینی شده و همچنین عوارض راه مأخوذه از وسایل نقلیه که برای حمل مواد نفتی صاحب امتیاز بکار برده شود مطابق تبصره ( ۱ ) ماده ۱۸ بعلاوه مخصوصاً مقرر است که صاحب امتیاز حق خواهد داشت آزادانه و با معافیت کامل از تأدیه حقوق گمرکی و مالیاتها کلیه مصالح و مواد اولیه و ملزومات و اتانیه و ماشین آلات و ملبوس و خوراکی و سایر ملزومات که مربوط و مخصوص بعملیات این امتیاز باشد و با اینکه صاحب امتیاز آوردن آنها را در ایران برای عمل آوردن و حمل و نقل و ساختن و توزیع و فروش مواد با مفرعات آنها که در این امتیاز پیش بینی شده است لازم بدانند

ولی اشیاء شخصی و مواد غذایی که مستقیماً برای مصارف شخصی اجزاء کمیانیها یا شرکتهای فرعی آنها خریداری شود و مخصوصاً در فوق مذکور نشده باشد از این معافیت مستثنی میباشد

این معافیت از ادای حقوق گمرکی واردات که در این ماده پیش بینی شده است کمیانیها و شرکتهای فرعی و اجزاء آنها را از اجزاء تریتات قانونی که در باره واردات بایران و صادرات از ایران معمولست مثل دادن اظهارنامه رسیدگی و تقبیل گمرکی معاف نخواهد داشت

رئیس - آقای مشار اعظم ( اجازه )

مشار اعظم - البته صاحب امتیاز که محتاج بعمل و نقل اشیاء هست بایستی رعایت کرد که باو عوارض تحمیل نشود چون این عوارض خیلی زیاد است و ممکن است کمیانی از عهده تأدیه آن بر نیاید و در هر صورت اگر نباشد این عوارض را باو تحمیل میکنیم ممکن است يك نوع مخارجی برای کمیانی شود و کمیانی آنها را در حساب خودمان محسوب بدارد

بنا بر این لازم بوده است که رعایت بشود و در این قسمت حرفی نیست ولی درمو ضوع این قسمت شرح ماده که ( صاحب امتیاز حق خواهد داشت آزادانه و با معافیت کامل از تأدیه حقوق گمرکی و مالیات یا کلیه مصالح و مواد اولیه و ملزومات و اتانیه و ماشین آلات و ملبوس و خوراکی و سایر ملزومات که مربوط و مخصوص بعملیات این امتیاز باشد ) در این قسمت ملبوس و خوراکی بنده ملتفت نشدم که مقصود کمیانی چیست اگر خوراکی است که در مملکت ما هم پیدا میشود ملبوس را هم همینجا ممکن است تهیه کرد و بنا بر این ذکر اینکه ملبوس و خوراکی باید معاف باشد هیچ مناسبت ندارد

در مسئله حقوق گمرکی ممکن است معاف باشد گرچه خودش هم در آن قسمت با این برای کمیانیهای فرعی ذکر کرده

است که ملبوس و خوراکی که برای آنها تهیه بشود استثناء است و آنها بایستی مالیات را بدهند

ولی آن قسمتی را که ابتداء ذکر کرده است یا آن قسمتی که در انتها هست خیلی فرق دارد

یعنی آن قسمت را مربوط بکمیانی فرعی کرده

ولی راجع بخودش نوشته که ملبوس و خوراکی هم از حقوق گمرکی باید معاف باشد

بنا بر این بنده عقیده ام اینست که این قسمت ملبوس و خوراکی از اینجا حذف شود

در قسمت ماشین آلات و مواد ممکن است گمرک نگرفت ولی در خوراکی و ملبوس نگرفتن گمرک هیچ ضرورت ندارد

رئیس - آقای تدین ( اجازه )

تدین - مخالفم

رئیس - آقای داود ( اجازه )

داود - مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب مخالفند؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بلی مخالفم

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )

دست غیب مخالفم

رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )

سهام السلطان - در این قسمت که آقای مشار اعظم فرمودند در کمیسیون مذاکره شد مقصود از ملبوس و خوراکی که نوشته شده است چیزهایی است که برای مصارف خود کمیانی لازم میشود والا در قسمت اخیرش نوشته شده است ملبوس و خوراکی که برای اجزاء یا اشخاصی که در اول مستخدمند لازم باشد معافیت ندارد و باید گمرک را بدهند و ایشان که گمان میکنم نظرشان این بوده که آنچه را که برای اجزاء لازم باشد از گمرک معاف نباشد و با آن قیدی که در آخر ماده شده گمان میکنم نظر ایشان تأمین شده باشد

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب ( اجازه )

حاج میرزا عبدالوهاب - عرضی ندارم

رئیس - آقای دست غیب

دست غیب - ماده از بس مفصل است جزء بجزء عبارت را باید خواند و ایرادات را ذکر نکرد اول مایملک یعنی ( تمام مایملک صاحب امتیاز ) اینجا معنی ندارد اگرچه در یکی از مواد نوشته شده است که وقتی که این امتیاز ملتی شد یا خرد شد تمام این اتانیه بر میگردد و در ایران



ولی اصلا لفظ مایملک لفظ مبهمی است که ممکن است مورد سوء اثر و سوء استفاده بشود

از این جهت این لفظ مایملک در قانون نباید نوشته شود

مسئله دیگر اینست که از تمام چیزها کمیانی را معافیت داده است ممکن است یک چیزهایی را معین کرد

مثلا یک اثاثیه که محتاج الیه او است از قبیل لوله آهن و چه وجه آنها را گمرک نباید بدهد ولی از قبیل اینست که دولت ایران یک راهی را شوشه میکند و باید از این راه اثاثیه کمیانی عبور کند و دولت ایران در آن خرج کرده و راه شوشه کرده آنوقت کمیانی بایاد حمل و نقل اثاثیه اش را از این راه بکند و هیچ این خرج را ندیده صحیح نیست بعضی علاوه بر این چیزهایی که دولت ایران بکمیانی داده یک مغارجی هم برای شوشه کردن راه کرده و هیچ نتیجه نبرده در صورتیکه دولت ایران از نیمه ایرانی و در شگه و گاری و اتومبیل که از این راه عبور میکند یک مغارجی برای درست کردن راه بگیرد

ولی کمیانی از آن مغارج باید معاف باشد این را بنده مخالف یکی دیگر ببارتی است که آقای مشارعظم هم اشکال فرمودند و وارد هم بود این عبارت متناقص است برای اینست که اینجا نوشته (حق خود را داشت آزادانه و با معافیت کامل از تاذیه حقوق گمرکی و مالیاتها کلیه مصالح مواد اولیه و ملزومات و اثاثیه و ماشین آلات و ملبوس و خوراکی و سایر ملزومات که مربوط و مخصوص بحالیات این امتیاز باشد) اینجا این لفظ (که مربوط) لابد بسیار ملزومات متصل است یعنی سایر ملزومات که مربوط باین امتیاز است اینجا هم اشکال میکنند که فلان چیز مربوط هست یا نیست این یکی علاوه بر این بند میاید

(خوراکی)

خوراکی را این جزء چیزهایی قرار داده است که از حقوق گمرکی معاف است آنوقت غذا را استثناء کرده که داخل در خوراکی نیست حالا معلوم نیست که خوراکی آغش از غذا است یا غذا آغش از خوراکی است این است که اگر تمام ما بخواهیم خود را از آمریکا بیاریم حتی اگر لباسهای خیلی خوب هم از آنجا بیاریم و مالیات ندهیم این یک موضوعی است و اگر فرض این است خوب حرفی نداریم ولی این عبارت طوری در هم و بر هم است که اینطور میفرماید بفرماید که تمام ما بخواهیم خود را از آمریکا بیاریم و اگر صد بناز هم بخواهیم بفرماید آنرا هم باید از اروپا بیاریم مغرب در باب آرهاها که فرموده ماده هفده را درست نخواندند

در صفحه ۱۸ سطر اول ملاحظه بفرمائید چنانچه در ماده یازده این قسمتها پیش

بیشی شده (همچنین هوارضرا مأخوذه از وسایل نقلیه) و همچنین در ماده بدهم پیش پیشی میکند و تبصره ماده بعد این مسئله را توضیح میدهد و نسبت بمایملک که فرمودند معنی ندارد بنده نمیدانم چرا معنی ندارد کمیانی خیلی مایملک دارد ماشین و سایر چیزهایی که وارد میکند از قبیل لوله کوموتیو ریل اینها مایملک او است

بنده نمیدانم چرا معنی ندارد در این قسمت اخیر هم که فرمودند شاید تمام چیزها را از خارج بیارند فراموش نکنید که گوشت و پنبه صرفه ندارد کسی از اروپا بیارند بعضی دواها است و بعضی قوطیها است (مرضارها) که صاحب امتیاز از خارج میآورد و اهمیتی هم ندارد

(جمعی اظهار کردند مذاکرات از این راه بکند و هیچ این خرج را ندیده صحیح نیست بعضی علاوه بر این چیزهایی که دولت ایران بکمیانی داده یک مغارجی هم برای شوشه کردن راه کرده و هیچ نتیجه نبرده در صورتیکه دولت ایران از نیمه ایرانی و در شگه و گاری و اتومبیل که از این راه عبور میکند یک مغارجی برای درست کردن راه بگیرد

ولی کمیانی از آن مغارج باید معاف باشد این را بنده مخالف یکی دیگر ببارتی است که آقای مشارعظم هم اشکال فرمودند و وارد هم بود این عبارت متناقص است برای اینست که اینجا نوشته (حق خود را داشت آزادانه و با معافیت کامل از تاذیه حقوق گمرکی و مالیاتها کلیه مصالح مواد اولیه و ملزومات و اثاثیه و ماشین آلات و ملبوس و خوراکی و سایر ملزومات که مربوط و مخصوص بحالیات این امتیاز باشد) اینجا این لفظ (که مربوط) لابد بسیار ملزومات متصل است یعنی سایر ملزومات که مربوط باین امتیاز است اینجا هم اشکال میکنند که فلان چیز مربوط هست یا نیست این یکی علاوه بر این بند میاید

(خوراکی)

خوراکی را این جزء چیزهایی قرار داده است که از حقوق گمرکی معاف است آنوقت غذا را استثناء کرده که داخل در خوراکی نیست حالا معلوم نیست که خوراکی آغش از غذا است یا غذا آغش از خوراکی است این است که اگر تمام ما بخواهیم خود را از آمریکا بیاریم حتی اگر لباسهای خیلی خوب هم از آنجا بیاریم و مالیات ندهیم این یک موضوعی است و اگر فرض این است خوب حرفی نداریم ولی این عبارت طوری در هم و بر هم است که اینطور میفرماید بفرماید که تمام ما بخواهیم خود را از آمریکا بیاریم و اگر صد بناز هم بخواهیم بفرماید آنرا هم باید از اروپا بیاریم مغرب در باب آرهاها که فرموده ماده هفده را درست نخواندند

در صفحه ۱۸ سطر اول ملاحظه بفرمائید چنانچه در ماده یازده این قسمتها پیش

چه دلشان خواست وضع کردند و در بگری کمیانی را از کارش یا تانیا بگری خواهد بگیرد باز کرده اند آیا نمی شود تصور کرد کمیانی و طرف او همیشه باید خودشان را معین کنند بیک چیزهایی که عارف بانها هستند و بصیر بان هستند و کارهای خودشان را بیک آتیه مجهول و نامعلوم واگذار نکنند؟

از این جهت اگر این قبیل هوارض را بر کمیانی تحمیل میکنیم باید حالیه تحمیل کنیم نه در آتیه حالا می توانیم باور بگیریم فلان کار را بکن و فلان حق را بدهد اما نمی شود گفت که در آتیه منتظر این باش که مایلیات هائی بلدی وضع می کنیم آنها را بدهد

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

رأی میگیریم بماده هفده آقایانیکه ماده هفده

رئیس - بنده پیشنهاد دارم

رئیس - (خطاب بعائزری زاده) چه فرمودید؟

حائزری زاده - بنده عرضی نداشته آقای زعیم پیشنهاد داشتند می خواهند تقدیم کنند

رئیس - پیشنهاد آقای زعیم قرائت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که موضوع عدم پرداخت عوارض بلدی و همچنین سایر هوارضیکه مربوط امور صحیه و تنظیفات محلی می شود از این ماده ۱۷ حذف شود

رئیس - بفرمائید

زعیم - پیشنهاد بنده محتاج توضیح مفصلی نیست اساساً مسئله هوارض بلدی صحی ولایتی ایالتی که در این ماده نوشته شده یکی از امور خیریه و بریه حساب می شود و مخصوصاً بانذاق دولت و ملت آمریکا هم موافق است و گمان نمیکنم این موضوع باشد که آقای مغرب بفرماید کمیانی قبول نمیکند یک چیز همی هم نیست در صورتیکه تمام اثاثیه و آلات و ادوات و خوراکیهای آنها را از گمرک معاف میکنم آنها گمان نمیکنم مخالف این باشند که عوارض محلی را بدهند چون بلدی غیر از عوارض گمرکی است و گمان میکنم دیگر آقای مغرب فرماید قبول نمیکند

مغرب - بنده گمان میکنم کمتر عرض کرده باشم قبول نمیکند

دست غیب - چندین دفعه فرمودید مغرب - عرض می کنم این مطالب یک اصولی دارد یک کمیانی وقتی که بایک دولتی معامله میکند باید تکلیفش معلوم بشود این یک کنتراتی است هر قدر تعمیل و هر قدر عوارض داشته باشد باید معین و مشخص باشد و دانسته و فهمیده یک کسی قبول کند وارد کند

بکنفر کمیانی که این معامله را میکنند باید این را پیش بینی کنند که عوارض بلدی صحی ولایتی ایالتی هر چه باشد خواه عوارض خیریه باشد خواه بریه بقتدر است چون اینها تمام از شرایط سیادت و استقلال یک مملکتی است که از این قبیل مالیاتها هر چه دلش میخواهد وضع میکند شاید فرد آمدید و از این قبیل مالیاتها هر

صاحب امتیاز از قبیل اینبیه ملزومات اثاثیه ماشین لوله و غیره اینست که می فرمائید کلمه مایملک را ننویسیم چه دلیلی دارد ننویسیم خانه کمیانی مایملک او است اثاثیه کمیانی مایملک او است و باید معاف باشد ولی اسب بکنفر آدم کمیانی ما مایملک می شود هیچ اینطور نیست

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس قابل توجه نشد پیشنهاد آقای صدرالعلماء قرائت می شود

(بشرح زیر قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در صفحه ۱۸ در سطر ۹ بعد از کلمه لازم بداند عبارت وارد نماید یا نظیر آن اضافه شود

رئیس - آقای صدرالعلماء (اجازه)

صدرالعلماء - چون در این ماده می نویسد: صاحب امتیاز با معافیت کامل از تاذیه حقوق گمرکی کلیه مصالح و غیره که وارد در آنها لازم بداند و این مبتدا واقع شده خبر ندارد خبر لازم دارد

مغرب - این پیشنهاد را بفرمائید مجدداً بخوانند

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مغرب - صاحب امتیاز آوردن آنها را لازم بداند این آوردن آن ها را خبر است

رئیس - رأی باید گرفت آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده هفده در صفحه (۱۸) ماده یازده تبدیل می شود بماده دوازده در سطر سوم تبصره (۱) ماده هفده تبدیل می شود بتبصره (۱) ماده هجده باین اختلافات رأی میگیریم بماده هفده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای دست غیب پیشنهاد نموده اند تنفس داده شود (از طرف نماینده کان صحیح است) در این موقع جلسه را برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل کردید

رئیس - ماده شانزده مطرح است مغرب - ماده شانزده را در کمیسیون تحت مطالعه در آورده و بالاخره بانوافق نظر اعضاء کمیسیون عبارت (خصوصیات محلی) تبدیل شد به (نرخ عادلانه وقت) حالا بنده میخوانم آقایان اصلاح بفرمایند در صورت بروز اختلاف بین مالک اراضی و صاحب امتیاز دولت بارعایت نرخ عادلانه وقت نخواهد گذاشت که در فروش

یا اجازه اجحاف شود

این نظریه بود که بعد از مذاکرات کمیسیون اتخاذ کرد و رأی داده و حالا بنده برای مجلس است

رئیس - آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - البته حفر چاه باید در یکی از اراضی اتفاق بیفتد و این مسئله روشن است و طبیعی است که باید در این باب از طرف مجلس نسبت بکمیانی مساعدت های کافی بشود که هر نقطه نقطه خیزاست آنجا حفر کند و نفطش را بیرون بیاورد و البته در موقع انعقاد این قرار داد این مسئله در نظر آمده است که صاحبان اراضی ممکن است وقتی بدانند اراضی آنها نقطه خیز است حتی الامکان اسماک کنند و مواضیقه کنند از اینکه اراضی خودشان را بختیار کمیانی بگذارند

در اینجا لازم میآید که تا اندازه دولت مردم را ملزم کند باینکه اراضی را تنفویض کمیانی کنند

صدرالعلماء - چون در این ماده می نویسد: صاحب امتیاز با معافیت کامل از تاذیه حقوق گمرکی کلیه مصالح و غیره که وارد در آنها لازم بداند و این مبتدا واقع شده خبر ندارد خبر لازم دارد

مغرب - این پیشنهاد را بفرمائید مجدداً بخوانند

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مغرب - صاحب امتیاز آوردن آنها را لازم بداند این آوردن آن ها را خبر است

رئیس - رأی باید گرفت آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده هفده در صفحه (۱۸) ماده یازده تبدیل می شود بماده دوازده در سطر سوم تبصره (۱) ماده هفده تبدیل می شود بتبصره (۱) ماده هجده باین اختلافات رأی میگیریم بماده هفده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای دست غیب پیشنهاد نموده اند تنفس داده شود (از طرف نماینده کان صحیح است) در این موقع جلسه را برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل کردید

رئیس - ماده شانزده مطرح است مغرب - ماده شانزده را در کمیسیون تحت مطالعه در آورده و بالاخره بانوافق نظر اعضاء کمیسیون عبارت (خصوصیات محلی) تبدیل شد به (نرخ عادلانه وقت) حالا بنده میخوانم آقایان اصلاح بفرمایند در صورت بروز اختلاف بین مالک اراضی و صاحب امتیاز دولت بارعایت نرخ عادلانه وقت نخواهد گذاشت که در فروش

هائی بنماید و اگر ما این قسمت را رعایت نکنیم

بنظر بنده این يك اجحاف و تعدیست و ایستى حتماً این مسئله را تحت توجه آورده و يك اراضی را که از دست يك اشخاصی میگیریم در مقابل آنها باید يك حقوقی که آنها را راضی وقانع کند بدهیم

در اینجا دولت نسبت باراضی خودش مختار بوده است و میتواند است آنها را ببخشد و ببخشد است در بعضی از اراضی هم که استثنا کرده است (مساجد قبرستانها و وزارت گاهها و سایر امکنه متبرک که و متعلقات آنها تا فاصله دوست و پنجاه ذرع) دوست و پنجاه ذرع هم از این قسمتها مستثنی شده در این قسمت بنده حرفی ندارم حتی قبرستانها

در اینجا رعایت مرده ها را کرده ولی رعایت زنده ها را نکرده اند و بهتر این است اینجا رعایت زنده ها را هم که برای حیات خودشان پول لازم دارند تا یک حدی بشود همینطور در اراضی وقف هم که رسیده باینکه موقوفات در مملکت ما از همه چیز هائی صاحب تر است آنجا را هم پیش بینی کرده است که اگر در آنجا هم مقتضیات اجازه بدهد و طوری پیش بیاید و ممکن باشد يك کارهائی بکنند ولی باز نسبت بمالک هیچ رعایت نشده و مالک در اینجا مظلوم تر از همه واقع شده است

بنده عرض نمیکنم که مالک در مقابل تقاضای تسلیم زمین برای استخراج نفط که از او کمیانی مینماید امتناع کند بنده همچو حرفی نیز نم از آنجا باید ملزم کرد که زمین خودش را برای منفعت عمومی واگذار کند ولی الزام او باید طوری باشد که او هم بقدر کفایت منتفع شود اگر بخوایم يك نرخ عادلانه باو بدهیم يك اراضی که برای زراعت در قسمت اردبیل واقع شده است

این اراضی چه قیمت دارد؟ بفرض هر جریبی پنجاه تومان صد تومان قیمت داشته باشد ولی اگر بنا باشد در آنجا نفط باشد طبیعی است که قیمت آن پنجاه تومان نخواهد بود و این يك دزی است که در این زمین پیدا شده است و قیمت آن باهت ترقی قیمت زمین می شود و البته باید این قیمت را رعایت کرد که حقوق مالک باندازه که حق او است از بین نرود و بنده نمیتوانم در این باب نظریه عرض کنم و بایستی آقایان اعضاء کمیسیون و کسانی که در این باب مذاقه میگردانند يك رعایتهاى کافی بنمایند و البته حالا هم نشده است و حالا هم باز آقایان اعضاء کمیسیون و دولت میتواند تعطف توجه داشته باشند و مذاکرات را از نو شروع بکنند و يك قراری بگذارند که رعایت مالک هم شده باشد و بالعبارت باین ماده را دادند در آتیه اسباب اشکال میشود

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - کمیسیون در این موضوع که مطرح است در جلسات متعدده مفصلاً مذاکره کرده و بالاخره در جلسه که چند دقیقه قبل تشکیل شد مذاکره شد تا اندازه که ممکن بوده است سعی کرده است که جمع بکنند بین تمام منافع از یکطرف البته ماهه میل داریم که این نفط استخراج شود و فوائد آنرا چون مکرر گفته اند و همه آقایان میدانند دیگر بنده لازم نمیدانم تکرار کنم ولی همینقدر می خواهم عرض کنم آقایانیکه باین ماده مخالفت دارند نظرشان را متوجه باین نکته بنمایم که مسئله يك مسئله مهمی است و قضیه استخراج نفط هم يك قضیه است که همه بان علاقه داریم در اینصورت باید يك طوری پیشنهاد کنیم يك شرایطی قرار بدهیم که قابل قبول باشد ولی اگر تمام در ابتدا بگوئیم یا نفط موقوفیم باشد که طرف نتواند بپذیرد بنده نتیجه عملش را این می بینم که اصل آن استخراج از بین برود و تمام مذاکراتی که تا کنون شده بی فایده بماند و در این موقع دو نکته را باید در نظر گرفت یکی قضیه استخراج نفط یکی دیگر اینکه اشخاصی که دارای املاکی هستند و در آنجا محلهای نفط خیزی هست آن اشخاص علاوه بر استفاده غیر مستقیمی که همه مردم میکنند چون مالک يك قطعه زمین معین هستند که در آنجا نفط پیدا شده است يك استفاده های بیشتر دیگری هم بکنند ولی باید دید حدود این استفاده چیست

مثلا قرار میگذاریم باینکه هر چه مالک خواست برضایت او بدون هیچ مداخله از طرف دولت باو بدهند و اگر در يك قطعه زمین نفط پیدا شود و صاحب او بیاید آنجا و يك میلیون دلار از کمیانی بخواهد باو بدهند بنده نمیگویم این عقیده را کسی دارد بنده متگویم که ماده باید طوری نوشته شود که اگر يك روزی مالک قطعه زمینی آمد و گفت يك میلیون دلار بمن بدهید تا من راضی شوم و يك همچو اعتراضی پیدا شد آنوقت طرف تکلیف من چیست؟ بیک طوری باید نوشت که هر روز بین کمیانی و صاحبان اراضی و نمایندگان دولت تولید کشمکش نشود و به همین جهت بود که مکرر بین کمیانی و نماینده دولت و کمیسیون مذاکرات زیادی بعمل آمد و بالاخره راه حلی که پیدا شد همین قسمت است که عجاتاً در نظر گرفته شده است و اما در قسمت جمله سابق که عبارت بود از (خصوصیات محلی) اولاً بنده نمیدانم خصوصیات محلی را که آقایان تعبیر میکنند باینکه يك فواید بزرگی از برای مالکین ما در این ماده ذکر کرده ایم چگونه میشود فرض کرد؟ نرخ عادلانه وقت يك چیزی است



که بین تمام این نظریات را جمع کرده است بین منافع ما استخراج نفت و منافع صاحب ملک و منافع کمیانی را امروز ملک یک قیمتی دارد و البته وقتی معلوم شد که یک تقاطعی نقطه خیز است املاکی که در اطراف آن تقاطع واقع شده و معلوم شده است نفت دارد آن املاک یک قیمتی پیدا میکنند بجهت اینکه در آنجا نفت هست و یک دستگاه تصفیه و استخراجی هم در نزدیکی آنجا هست و باینواسطه آن املاک ترقی خواهد کرد و این نرخ عادلانه هم صاحب امتیاز را ملزم میکند که آن نرخ عادلانه را بدهد و هم اینکه صاحبان ملک یک فائده می برند.

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم برطبق این قانون اساسی که اینجا در پشت تریبون هم تمس خوردیم که مطابق قانون اساسی کار کنیم در اینجا در همان ماده دوم که مسئله طراز اول باشد که مکرر در این مجلس مذاکره شده و معلوم نشد چرا بمجلس نیامد . . .

شیروانی - خارج از موضوع است حاج میرزا عبدالوهاب - خارج از موضوع نیست بگذارید بنده عرض بکنم بعد بنده بشوید بگویند خارج از موضوع است.

در اینجا در اول ماده دوم می نویسد (مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است

باید در هیچ مصری از اعمار موارد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله وسلم نداشته باشد (و بعد آغوش ملت ایران تا سیس شده است

این است که پنج نفر از آقایان علماء طراز اول حضور داشته باشند که این قوانین را تطبیق بکنند با قوانین شرع مقدس و این مسئله بنظر بنده بکلی با اصول مالکیت مغالط است و نرخ عادلانه وقت نمیدانم

یعنی چه؟ یعنی یک زمین را بقیه داریم نفت دارد و یک زمین هم یک کسی دارد نفت ندارد و این زمین جریسی ده تومان مبارز آن وقت آن زمین هم که نفت دارد میگویند بیا ده تومان بگیر این نرخ عادلانه است؟

و بنده عرض میکنم تا تراضی بعمل نیاید موضوعیت قانونی ندارد زیرا مخالف با قانون اسلام است و یکی دیگر مسئله موقوفات است که در آنجا میگویند در صورتی که مقتضیات اجازه بدهد

بنده این را بکلی مخالف با مفاد الوقف ما وقفها اهلهما . و بنده عبارت در صورتی که مقتضیات اجازه بدهد معنایش را این قسمت اول ( و همچنین صاحب

زیرا نرخ عادلانه وقت يك كلمه است روشن واصطلاحاً مستمعین و بعد از آنکه ما آنرا تصدیق کردیم دولت حتی المقدور سعی خواهد کرد که صاحبان ملک منتفع بشوند و دولت و کمیانی هم نمیخواهند این شرط بیکطرفی باشد که هر روز تولید اشکال و کشمکشهایی بشود و اگر زیادتر از این شرایطی که اینجا معین شده است بخواهید شرایط دیگری اضافه کنید

بنده بقیه دارم کمیانی قبول نخواهد کرد . حالاً اگر میل دارید این امتیاز داده نشود مختارید . رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب .

حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند در وقت تجلی نشده است مقتضیات هم این است که اگر در یکجائی دیدند که مقتضی است اجازه میدهند و این لفظ مقتضیات هم به معنی جهت نوشته شده است .

مقتضیات یعنی مقتضیات مشروع مقصود بیان مراد است و اما در قسمت دیگر حق میدهم بجانب آقایانی که مخالفت میکنند اگر چه از من این حرف . . .

رئیس - بترتیب صحیح که مذاکره نفرمائید . رئیس - بله

رئیس - یکنفر مخالف حرف زده باید یکنفر موافق حرف بزند .

مدرس - عرض کردم در یک قسمتش موافقم پس اجازه من معفو طلبانند مغیر بنظر نظر کمیسیون را بنده عرض میکنم .

در این قسمت راجع بحقوق مالکین اولاً یک توضیحاتی اینجا دادند و بنده تصور میکنم اگر متصفان به آن توضیحاتی که آقای داوردادند .

التفات بکنند یک قسمت از اشکالات و اعتراضات رفع میشود اینجا باید آقایان در نظر داشته باشند که کمیسیون در دوره چهارم هم همیشه از اول معتقد و مقید بوده است که هیچ تزلزلی و خللی در ارکان اصول مالکیت کسی وارد نشود و هیچ نظری که مخالفت با این نظر داشته باشد نداشته است معلومست مجلس هم هیچ وقت نه در دوره چهارم که این قانون را تصویب کرده است و نه در این دو . . . نظری که مخالفت داشته باشد با این اصل نداشته است و مخصوصاً در خاطر دارم و حالاً هم در کمیسیون تذکره داد و چون احتمال میرود آقای مدرس اظهاراتی بفرماید باز عرض میکنم که تمام اعضاء کمیسیون حل این مسئله را در دوره چهارم در کمیسیون نفت از آقای مدرس خواستند و با موافقت نظر ایشان این عبارت قید شده است و از برای جمع بین منافع عمومی و خصوصی نوشته شده است اینجا ملاحظه میفرمائید نوشته است (بتراضی طرفین خریداری شود)

این قسمت اول ( و همچنین صاحب امتیاز حق خواهد داشت سایر اراضی اینده که متعلق بغير اعم از افراد یا هیئت ها باشد بتراضی خریداری یا برای تمام مدت امتیاز اجاره نماید)

در این قسمت که البته آقایان هیچ اعتراض ندارند که اگر تراضی طرفین بعمل آید هیچ نوع اشکالی نیست فقط باید پیش بینی کرد که (اگر چیزهایی پیش بیاید که این تراض حاصل نشود که البته آن جفتی که از همه محتمل ترست همان جفتی است که اراضی زیاد در منافع خصوصی خواهد بود بقول آقای داورداد که همان جهت خصوصی افراط شد و البته این هم بیش از حد موفی پیش خواهد آمد که موضوع یک اهمیت است و باید گذاشت منافع عمومی یک مملکت که شامل افراد و شاید شامل یک قسمت اعظم افراد است یا مال باشد بسبب لجاجت یکنفر؟ یا اینکه باید یکراهی پیدا کرد که اجحاف نشود؟

البته عقل اینطور حکم میکند و گمان میکنم چون آقای مدرس خودشان هم این مسئله را تصدیق کرده اند که شرعاً اینطور حکم میکند که از اجحاف باید جلوگیری کرد حالا اینکه در اینجا اجحاف شده است یا نه است همین عبارت محکم تر است. (وقت) باشد و این عبارت محکم تر است.

قرارداد کمیانی هم مطابق اظهاری که آقای سهام السلطان قبل از تنفس کردند قبول نکرد برای همین بود که ترسیده بود که دولت ملاک و معدک فروش را در این امر اگر رعایت خصوصیات معلی قید شده باشد .

یک چیزی فرار بدهد که از آن اجحاف جلوگیری نشود همین جهت میخواست این عبارت را با عبارت دیگری عوض کند که این نظراً در این ماده نوشته نشود و کمیسیون امر و بعد از مذاکره مراتب را در این امر نشد که این عبارت پر داشته شود و چیزی جایش نوشته شود و تبدیل کرد یک عبارتی که مسئله منافع خصوصی مالک را بیشتر و بهتر تأمین میکند و ماها هم باید این مسئله را همیشه در نظر داشته باشیم که دولتهای وقت ما هیچوقت در حکمیت رعایت جانب ایران و رعایت حقوق مالکیت ایرانی را از دست نخواهند داد و همیشه این رعایت را خواهند کرد که موضوع بطور عادلانه تمام شود که هم منافع عمومی از استخراج نفت حاصل شود و هم منافع خصوصی اشخاص از دست نرود

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - کلمه اخیر شاهزاده را بنده اول جواب عرض کنم فرمودند هیچوقت دولت ایران جانب ایرانی را فرو نگذاشته نخواهد کرد .

مجلس شورای ملی وقتی که می خواهد یک ماده از قانون را تصویب بکند یا یک ماده از قانون را که می خواهد بنویسد باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش باید نگذارد مالک اجحاف کند

فرد ایرانی هم این حسن ظن در باره اش هست که خیلی لجاجت نکند و طمع را خیلی بالا نبرد اگر در باره دولت ایران این حسن ظن راجع بحکمیت هست در باره فرد ایرانی هم این حسن ظن را باید در نظر گرفت .

در دوره چهارم بنده خاطر دارم که در همین عبارت را عرض کردم این عبارت را در ایران سراف دارم و بقدری اخلاق ایرانی را خوب میدانم که در موقعی که پای منافع عمومی در بین باشد منافع خصوصی را ملاحظه نمی کند . . .

مغیر - بنده این را نفی نکردم . دست غیب - ولی نسبت بدولت ایران حسن نظر فرمودید و نسبت بملت فرمودید .

اما آمدیم در سر این ماده که نوشته است (دولت هر مقدار اراضی باید که متعلق بخودش باشد و مهندسین صاحب امتیاز بهر اسم و رسم برای عملیات لازم بدانند) یک قطعه زمین است کمیانی میگویند من آنجا را لازم دارم مطابق این ماده تقش و تحقیقاتی در اطرافش شده هزار زرع زمین را میگویند مطابق جمله اول این ماده (بهر اسم و رسم) من لازم دارم برای خزانه میخواهم یا اینجا میخواهم لوله بکشم پس این عبارت (بهر اسم و رسم) که در اینجا قید شده خاصه بآن بودن نقش که تحقیق بکند که آیا راستی بعقیده من سر بجهنم خواهد زد و هر زمینی را که می خواهد دولت بآورد . . .

یکی از نمایندگان - در حد صد یا زده . دست غیب - یکی دیگر راجع بعبارت (تراضی طرفین) است فرض کنیم یک قطعه زمینی که مال مالک است و کمیانی هم میگویند بفروش آن هم یک قیمتی راضی است که کمیانی بآن قیمت نمیخرد آن وقت این جا محل اختلاف بین مالک و کمیانی است البته دولت ایران یک قانونی هم که می خواهد از مجلس شورای ملی بگذرانند باید اطرافش را طوری ملاحظه بکنند که مخالف با اصول مالکیت نباشد .

مجلس شورای ملی وقتی که می خواهد یک ماده از قانون را تصویب بکند یا یک ماده از قانون را که می خواهد بنویسد باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش باید نگذارد مالک اجحاف کند

این جمله را بنده جواب عرض کنم همینطور که ایشان نسبت بدولت این حسن ظن را کردند بنده هم نسبت با افراد ایرانی این حسن ظن را اظهار میکنم . فرد ایرانی در این است که منافع عمومی ایرانی در این است لجاجت نمی کند و از آن اندازه بیرون (بفرموده) آقای داورداد که فرمودند آن لفظ را تلفظ نمی کنیم بنده تلفظ میکنم (وقتی بداند که نفع عامه ایرانی در اینجا هست طمع بخرج نمیدهد .

فرد ایرانی هم این حسن ظن در باره اش هست که خیلی لجاجت نکند و طمع را خیلی بالا نبرد اگر در باره دولت ایران این حسن ظن راجع بحکمیت هست در باره فرد ایرانی هم این حسن ظن را باید در نظر گرفت .

در دوره چهارم بنده خاطر دارم که در همین ماده بنده همین عبارت را عرض کردم این عبارت را در ایران سراف دارم و بقدری اخلاق ایرانی را خوب میدانم که در موقعی که پای منافع عمومی در بین باشد منافع خصوصی را ملاحظه نمی کند . . .

مغیر - بنده این را نفی نکردم . دست غیب - ولی نسبت بدولت ایران حسن نظر فرمودید و نسبت بملت فرمودید .

اما آمدیم در سر این ماده که نوشته است (دولت هر مقدار اراضی باید که متعلق بخودش باشد و مهندسین صاحب امتیاز بهر اسم و رسم برای عملیات لازم بدانند) یک قطعه زمین است کمیانی میگویند من آنجا را لازم دارم مطابق این ماده تقش و تحقیقاتی در اطرافش شده هزار زرع زمین را میگویند مطابق جمله اول این ماده (بهر اسم و رسم) من لازم دارم برای خزانه میخواهم یا اینجا میخواهم لوله بکشم پس این عبارت (بهر اسم و رسم) که در اینجا قید شده خاصه بآن بودن نقش که تحقیق بکند که آیا راستی بعقیده من سر بجهنم خواهد زد و هر زمینی را که می خواهد دولت بآورد . . .

یکی از نمایندگان - در حد صد یا زده . دست غیب - یکی دیگر راجع بعبارت (تراضی طرفین) است فرض کنیم یک قطعه زمینی که مال مالک است و کمیانی هم میگویند بفروش آن هم یک قیمتی راضی است که کمیانی بآن قیمت نمیخرد آن وقت این جا محل اختلاف بین مالک و کمیانی است البته دولت ایران یک قانونی هم که می خواهد از مجلس شورای ملی بگذرانند باید اطرافش را طوری ملاحظه بکنند که مخالف با اصول مالکیت نباشد .

مجلس شورای ملی وقتی که می خواهد یک ماده از قانون را تصویب بکند یا یک ماده از قانون را که می خواهد بنویسد باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش باید نگذارد مالک اجحاف کند

فرد ایرانی هم این حسن ظن در باره اش هست که خیلی لجاجت نکند و طمع را خیلی بالا نبرد اگر در باره دولت ایران این حسن ظن راجع بحکمیت هست در باره فرد ایرانی هم این حسن ظن را باید در نظر گرفت .

در دوره چهارم بنده خاطر دارم که در همین عبارت را عرض کردم این عبارت را در ایران سراف دارم و بقدری اخلاق ایرانی را خوب میدانم که در موقعی که پای منافع عمومی در بین باشد منافع خصوصی را ملاحظه نمی کند . . .

مغیر - بنده این را نفی نکردم . دست غیب - ولی نسبت بدولت ایران حسن نظر فرمودید و نسبت بملت فرمودید .

اما آمدیم در سر این ماده که نوشته است (دولت هر مقدار اراضی باید که متعلق بخودش باشد و مهندسین صاحب امتیاز بهر اسم و رسم برای عملیات لازم بدانند) یک قطعه زمین است کمیانی میگویند من آنجا را لازم دارم مطابق این ماده تقش و تحقیقاتی در اطرافش شده هزار زرع زمین را میگویند مطابق جمله اول این ماده (بهر اسم و رسم) من لازم دارم برای خزانه میخواهم یا اینجا میخواهم لوله بکشم پس این عبارت (بهر اسم و رسم) که در اینجا قید شده خاصه بآن بودن نقش که تحقیق بکند که آیا راستی بعقیده من سر بجهنم خواهد زد و هر زمینی را که می خواهد دولت بآورد . . .

یکی از نمایندگان - در حد صد یا زده . دست غیب - یکی دیگر راجع بعبارت (تراضی طرفین) است فرض کنیم یک قطعه زمینی که مال مالک است و کمیانی هم میگویند بفروش آن هم یک قیمتی راضی است که کمیانی بآن قیمت نمیخرد آن وقت این جا محل اختلاف بین مالک و کمیانی است البته دولت ایران یک قانونی هم که می خواهد از مجلس شورای ملی بگذرانند باید اطرافش را طوری ملاحظه بکنند که مخالف با اصول مالکیت نباشد .

رعایت اصول مالکیت را بکنند فرض میکنیم شخصی ملکی دارد که در آن ملک چاه نفت است و مالک میگوید که من زرعی سیصد تومان کمتر نمیدهم مطابق نرخ عادلانه صد و پنجاه تومان قیمتش است باو می گوید صد تومان هم زیاد تر بگیر دو صد و پنجاه تومان بگیر صاحب ملک راضی نمیشود .

در اینجا (دولت نباید بگذارد اجحاف شود) یعنی چه؟ فارسی ساده اش اینست که دولت باید نگذارد مالک اجحاف کند اما خودش اجحاف کند یعنی اگر گفت من زرعی سیصد تومان نمیدهم مفاد ماده اینست که دولت بگوید حتماً باید دو صد و پنجاه تومان را بگیرد و این زمین را تسلیم کنی .

معنی عادلانه این است باز برای اینکه درست آقای شیروانی التماس کنند عرض میکنم .

مثلاً قیمت عادلانه اش صد تومان است مالک می گوید زرعی سیصد تومان دولت می بیند اجحاف است میگوید بخیر عادلانه اش صد تومان است ( من بالاتر از فرمایش آقای شیروانی عرض میکنم ) دولت پنجاه تومان هم اضافه می کند برای این که زمین نفت خیز است و میگوید صد و پنجاه تومان بگیر مالک میگوید نمیخواهم بدهم معنی ماده این است که دولت صاحب ملک را مجبور میکند که خیر حتماً باید بصد و پنجاه تومان بدهد و این بالصراحه مخالف اصول مالکیت خصوصی است بواسطه این که میگوید دولت نمیخواهد بدهم یعنی مالک و مختارم و دولت نمیگذارد اجحاف بشود یعنی میگوید بایستی تسلیم بکنی در ازای صد و پنجاه تومان بعلاوه مقررات قوانین مملکتی در همه جای دنیا مقدس است .

فرض میکنیم یک کسی آمد یک نفری داد بیک ایرانی آن وقت یک چیزی خواست تحویل بکنند بایرانی که این چیز خارج از قوانین مملکتی و خارج از حقوقی است که خودش برای خودش معین کرده است

فرضا یک کسی میاید بیک ایرانی میگوید که من فلان قدر بتو میدهم که یکی از مواد قانون اساسی را بالفرض افرو کنی یا بالفرض صلاحست که نفوشود .

آیا صلاح این ایرانی این است که حاضر بشود و راضی بشود ؟ البته معلوم است همه موافق با نقت و گمان نمیکنم یکنفر هم در مجلس مخالف نفت باشد و خدا شاهد است از روی عقیده عرض میکنم که حتی میخواهم این ماده بخصوص هم بگذرد با نقت کلیتاً موافقم و با این ماده هم موافقم الا اینکه باین دوسه تا جمله که عرض میکنم مخالف آن هم از راه این است که مقررات قوانین مملکتی مقدس است و مقدم است بر هر چیزی

البته استخراج نفت برای ایرانی نفع دارد اما نه تا جایی که بگویند از قوانین مقرر مملکتی هم ایرانی باید صرف نظر کند البته اقتصادیات ایران همینطور که آقای داورداد فرمودند محتاج با استخراج نفت است و این موضوع هم مهم است بلکه بنده میگویم از هم بالا تر صیغه افعال التفصیل است اهم است اما تا جایی که پاروی قوانین جاریه مملکتی گذاشته نشود

این است که عرض میکنم برای جمع آوری بین همه اطراف قضیه این جمله:

(در صورت بروز اختلاف الی آخر) را باید از شد انداخت چون نظر بهمان حسن ظنی که آقای مغیر بدولت ایران و من نسبت با افراد ایرانی دارم ایرانی البته میدانند استخراج نفت برای تمام ایرانیان مفید است و از حیث مصالح عمومی بر منافع خصوصی مقدم است

این یک اشکال اشکال دیگر این در اینصورت زرع یا هزار زرع زمین یک چاهی زده شد من داری هزار زرع زمین مهندس آمد نگاه کرد دید در وسط این زمین چاه نفت است آمد استخراج کرد آن وقت اطرافش را میگوید بکار نمیخورد همین محل مخصوص را می خواهم و اطرافش را نمی خواهم اطراف هر چاهی که چاه زرع نمی شود زرع کرد آن وقت در اینصورت زرع از این هزار زرع زمین یک چاه حفر شده باقیش دهم بیه مصرف شده دولت هم برای اینکه بکمیانی اجحاف نشود آمده است و گفته است که قیمت عادلانه این زمین دو صد و پنجاه تومان است معنی این است که کمیانی دو صد و پنجاه توه ن داده

یک قسمت زمین را خریداری نموده ولی یک قسمت دیگر زمینش را بکلی خراب کرده و هزار زرع زمین و نولم بزرع شده برای یک چاه این هم خودش اشکالی است

دیگر مسئله که آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند نسبت با راضی وقت مساعدت های لازمه خواهد کرد یعنی چه بنده هم کاملاً موافقم اگر غرض این باشد که رجوع بکنند بتولی او را مجبور کند بیجا است .

البته استخراج نفت برای ایرانی نفع دارد اما نه تا جایی که بگویند از قوانین مقرر مملکتی هم ایرانی باید صرف نظر کند البته اقتصادیات ایران همینطور که آقای داورداد فرمودند محتاج با استخراج نفت است و این موضوع هم مهم است بلکه بنده میگویم از هم بالا تر صیغه افعال التفصیل است اهم است اما تا جایی که پاروی قوانین جاریه مملکتی گذاشته نشود

این است که عرض میکنم برای جمع آوری بین همه اطراف قضیه این جمله:

(در صورت بروز اختلاف الی آخر) را باید از شد انداخت چون نظر بهمان حسن ظنی که آقای مغیر بدولت ایران و من نسبت با افراد ایرانی دارم ایرانی البته میدانند استخراج نفت برای تمام ایرانیان مفید است و از حیث مصالح عمومی بر منافع خصوصی مقدم است

این یک اشکال اشکال دیگر این در اینصورت زرع یا هزار زرع زمین یک چاهی زده شد من داری هزار زرع زمین مهندس آمد نگاه کرد دید در وسط این زمین چاه نفت است آمد استخراج کرد آن وقت اطرافش را میگوید بکار نمیخورد همین محل مخصوص را می خواهم و اطرافش را نمی خواهم اطراف هر چاهی که چاه زرع نمی شود زرع کرد آن وقت در اینصورت زرع از این هزار زرع زمین یک چاه حفر شده باقیش دهم بیه مصرف شده دولت هم برای اینکه بکمیانی اجحاف نشود آمده است و گفته است که قیمت عادلانه این زمین دو صد و پنجاه تومان است معنی این است که کمیانی دو صد و پنجاه توه ن داده

یک قسمت زمین را خریداری نموده ولی یک قسمت دیگر زمینش را بکلی خراب کرده و هزار زرع زمین و نولم بزرع شده برای یک چاه این هم خودش اشکالی است

دیگر مسئله که آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند نسبت با راضی وقت مساعدت های لازمه خواهد کرد یعنی چه بنده هم کاملاً موافقم اگر غرض این باشد که رجوع بکنند بتولی او را مجبور کند بیجا است .

اگر غرض آنطوری که آقای مدرس فرمودند باشد تقریباً مفاد فرمایش آقای مدرس این بود که بتولی بهمانند تو اگر این جا زراعت کنی سالی پنجاه تومان عاید وقف میشود

ولی اگر بدهی دست کمیانی صاحب امتیاز سالی دو صد تومان اجاره دارد این صحیح است برای اینکه در اینصورت صلاح وقف در اجاره دادن بکمیانی است و اگر بتولی صلاح وقف را ملاحظه نکرد دولت میتواند از حاکم

شرع توضیح بخواهد اگر حاکم شرع هم صلاح وقف را در این دید و بتولی گفت و باز بتولی قبول نکرد خائن و فوری متزلزل است . بنا بر این اینستکه این جا نوشته است دولت مساعدتهای لازمه خواهد کرد اگر آنست که آقای مدرس میفرماید این صلاح و قفت و متولی بیجا می کند

موافقت نمی کند زیرا در آن صورت صلاح وقف را رعایت نگردا اگر غیر از این باشد که آقای مدرس فرمودند دولت تصرفی در وقف کند ظاهرش جایز نیست و باز عرض میکنم بیجاست برای اینکه قوانین مملکتی اجازه نمیدهد .

کلمه فرمودند آقای حاج میرزا عبدالوهاب که آنرا هم بنده کاملاً مساعدم اگر چه بعضی از آقایان فرمودند مخالف قانون اساسی نیست و راست است ظاهر عبارت موهم اینست که مخالف قانون اساسی نیست ولی اگر درست وقت بفرماید قانون اساسی مردم را مسلط کرده است گذشته از اینکه شرع مسلط کرده است و دیانت اسلامی مسلط کرده است مالک را بر ملک خودش قانون اساسی هم همانطور مردم را مسلط کرده است و صریحاً حکم کرده است .

پس اینکه آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند بیجاست که اگر مالک را بهر عنوان ولو عنواناً .

همانطور که در خاطر هست که در دوره چهارم اینجا گفته شد که حتی هوای مجاور خانه هم مال مالک آن خانه است . بهر ترتیبی که مالک را از تسلط و تصرف ببنده اندهم مخالف قانون شرع هست و هم مخالف مقررات و قوانین مملکتی است اینجا بنده هیچ عقیده ندارم که کمیانی راضی نمیشود .

او امتیاز نفت میخواهد بموجب مقررات قانون مملکت ایران نه بموجب مقررات باو میگویند قانون مملکت ایران این است که مالک را دولت نمیتواند مجبور بکند اگر باین ترتیب و مطابق این قانون بخواهی ممکنست اگر غیر از این میخواهی ممکن نیست .

رئیس - آقای رئیسالتجار (اجازه) رئیسالتجار - مخالفم . رئیس - آقای مشار اعظم بله رئیس - آقای تعین (اجازه) تدین - اولاً در قسمت اول بیانات آقای دست غیب راجع بجمعه اول ماده که نوشته شده دولت هر مقدار اراضی باید که متعلق بخودش باشد و مهندسین صاحب امتیاز بهر اسم و رسم برای عملیات لازم بدانند و طرف احتیاج این امتیاز باشد



مجاناً و بلا عوض وا گذار خواهد نمود اشکالاتی کردند و بالاخره اظهار کردند که ممکن است دامنه این اراضی بجهت کشیده شود .

بنده تذکر آریشان عرض میکنم زیاد بر مقدار لزوم نخواهد بود از دنیا که تجاوز نخواهد کرد و سهل است از محیط این چهار ایالت هم تجاوز نخواهد کرد . . . دست غیب - همین چهار ایالت؟

تدین - خیر توجیه نفرمائید يك دليل بنده اینست که تصریح شده در این امتیازنامه که مجموع اراضی که صاحب امتیاز انتخاب میکند برای عملیات بیش از صدی پانزده هر يك از قطعات چهار گانه نخواهد بود پس اینجا محدود کرده است .

اراضی را که در گیلان صاحب امتیاز انتخاب خواهد کرد مجموعاً اعم از اینکه برای انتساب کند یا سایر مؤسساتی که لازم باشد بیش از صدی پانزده اراضی قطعه گیلان نباید باشد پس اینجا يك خط در اطراف کشیده شد .

دیگر اینکه بعد از بهر رسم و رسم که گفتند . يك جمله کوچکی هم بعد از همین عبارت بود که آنرا طرف توجه قرار ندادند و اگر بآن توجه میکردند اینقدر بحث لازم نبود اینست که میگوید .

(بهر رسم و رسم برای عملیات لازم بدانند و طرف احتیاج این امتیاز باشد) . . .

دست غیب - مشخص خودش است . تدین - نه خیر طرف احتیاج این امتیاز باشد شخص خودش هم نیست برای اینکه در اینجا قضیه دو طرف دارد يك طرف دولت است و يك طرف او بنا بر این شخص خودش نیست دوات در اینجا ذی حق است که . . . .

دست غیب - خیر . تدین مباحثه بین الانین که نمیتوانیم من ساکت نشستم شما همه حرهای تان را زدید حالا هم شما گوش بدهید من چه میگویم .

بنا بر این اگر بدون مدرک و دلیل وبدون احتیاج صاحب امتیاز خواست يك اراضی را انتخاب بکند طبعاً چون دولت طرف است میگوید خیر و از همه اینها می گذریم اراضی با رچه اهمیت دارد از اراضی با روه قدر میخواهد انتخاب میکند اعم از ذرات و باریک بیش از صد پانزده نیست . . .

مخبر - شرط هم دارد . بشرط اینکه دولت محتاج نباشد . تدین - بلی وبعد يك شرط دارد ؛ مشروط بر اینکه اراضی مزبور برای ساختن اینبه دولتی اختیار نشده باشد .

بنا بر این چون اصل صد پانزده را قبول کردیم دیگر این اشکال و این اعتراض هم وارد نیست قسمت دیگری فرض عجیبی بود که ممکنست اگر در دایره فرض داخل

بشویم هزارتا از این فرض ها بکنیم : يك مالکست هزار زرعی يك چاه نفت است بعد محیطی را که انتخاب خواهد کرد پانصد ذرعست یا صد ذرع دیگر چه میشود . در همین جا ممکن است چهل فرض بیشتر کرد :

چرا در وسط باشد . شاید در این گوشه باشد - در آن گوشه باشد . در اینطرف . در آنطرف . در جهات سته . در جهات اصلیه . در جهات فرعیه . چرا يك فرض ؛ علاوه جناب عالی خوب بود اطلاعاً و بر حسب اینکه اطلاع نمی داشتید قدری تحقیق میکردید از نقشهها یا از وضعیات چاههای نفت .

ممکن نیست فقط پانصد ذرع را صاحب امتیاز برای چاه نفت لازم داشته باشد .

برای اینکه چاههای نفت محیط خیلی بزرگتر از این لازم دارد و قتیکه از اهل خبره و اشخاصی که در چاههای سمت جنوب بوده اند تحقیق بکنید این قسمت را تصدیق خواهند کرد که هزار ذرع و دو هزار ذرع هم بیشتر لازم دارد بلکه نیم فرسخ لازم دارد برای آن محیط آن چاه دلیلش این است که از مقدار مسافت خیلی بعیدی حتی الامکان نمی گذارند اشخاص بچاه نزدیک بشوند . آنها هم يك احتیاطاتی دارند .

محیط دو هزار ذرعی بکلی مورد ندارد و اما قسمتهایی که راجع بموقوفات فرمودند همانطور که آقای مدرس اظهار کردند تصور میکنم محتاج بتوضیح زیاد نباشد .

معنی مساعدتهای لازمه این نیست که متولی را مجبور بکنند آنجا هم راهش این است اگر خدای نکرده متولی نخواهد مسامحه کند مساعدت لازمه خواهد کرد و مساعدت لازمه یعنی بعلماء مراجعه میکنند در صورتی که متولی بخواهد انحرافی پیدا بکند .

بچهار نفر علمای درجه اول که در آن محل هستند دوات مراجعه می کند و سؤال میکند .

درین انکار و مخالفتی که متولی میکند آیا ذی حقست یا نه ؟ مقصود این نوع مساعدت است که دولت باید بکند و مقصود از مقتضات مشروعیت و اما مسئله سلب مالکیت و تسلط مالکین که این جاهی گفته میشود برخلاف اصول مقرر است و بالاخره موجب انقاع مالکیت خصوصی میشود اینطور نیست و تصور نمیکنم ما که اینجا هستیم بلکه تمام نقاط هستند پیرو عقیده هم که باشند علاوه بر مسلمین معتقد باین اصل باشند که سلب تسلط مالک از ملکش بدون مدرک و مجوز قانونی صحیح باشد .

ما همه مسلمانیم و اطلاع از قوانین اسلامی داریم کم یا زیاد و از صحرائی عدم نیامده ایم و از سولاتان هم با اصطلاح معروف نیامده ایم و قانون اساسی را هم میخوانیم و تاحدی و قانون اساسی را هم میخوانیم و تاحدی

هم می فهمیم اطلاع از مدارک اسلامی هم داریم . بنا بر این این حدی که اینجا رعایت شده است صدمه بمالکیت خصوصی نمیزند و این مسئله .

الناس مسلطون علی اموالهم . که این قدر حربه میشود . . . . دست غیب - کی کسی این عبارت را گفت .

تدین - چرا میگویند تسلط معنایش همین است . خود آقایان که متمسک باین حربه میشوند . حتی آقای حاج میرزا عبدالوهاب و آقای دست غیب تصدیق خواهند کرد که این حکم بر عموم خودش باقی نیست شرعاً آنقدر استثناء دارد که بالاخره شامل يك موارد مخصوصی میشود .

مثلاً : الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم - صحیح است بنده شخصاً يك قسمتی از اموال مردم را خورده ام طرف رفته است عدلیه عارض شده محکوم شدم می خواهد از دارائی من بگیرند بنده میگویم الناس مسلطون علی اموالهم . نمیخواهم بدمم اینک هیچ منطبق ندارد . . . .

شریعتمدار دامغانی - در حدود قوانین اسلام . تدین - پس محدود است . پس با بنده موافق هستند که این بعموم خودش باقی نیست و محدود هست بهمان مواردی که در شرع تعیین شده .

مثلاً در موضوع احتکار ارزاق عمومی ؛ ارزاق عمومی را يك یا چند نفر احتکار بکنند که موجب عسرت و ضیق و محنت مردم بشود با این شرط و قید بطوریکه بتوان گفت قحطی شده است و مردم از گرسنگی میمیرند .

حالا مالک میگوید که يك خرورار گندم هزار تومان . اینطور نیست پس این جا از نقطه نظر حفظ منافع عمومی در شرع مخصوصاً تکلیفش معین شده است تسمیرش میکنند اجبارش می کنند . . . . حاج میرزا عبدالوهاب - تسمیر نیست .

تدین - چرا نیست . بل یسعرو یحشر عبارت متن لعمه است بروید ببینید ندارید بیاورم نشان بدهم . . . (همه بین نمایندگان)

تدین - اجازه بدهید . علی ای حال بنده نمیخواهم داخل در این قضیه و وارد در مسائل شرعی بشوم ؛

اگر بخواهم وارد شوم البته اطلاع دارم و فقط وارد بشوم در آن قسمتی که گمان می کنم آقای مخبر اشاره فرمودند و مخصوصاً خاطر هست که در دوره چهارم آقای مدرس در این باب توضیحات کافی دادند و همه را متقاعد کردند .

و بالاخره دیگر بنده در این تمیخواهم زیاد طول بدمم اگر مباحثه کنیم جایش بیرون است این جا بنا بر این در این قسمت اول که تراش میزنند باشد هیچ اعتراضی نیست .

در قسمت بعد هم همانطور که تفصیح داده شد امر دائر بین یکی از دو صورت است یا استخراج نفت یا رعایت میل مالک .

استخراج نفت اگر بخواهد بشود از نقطه نظر اینکه شامل منافع عمومی است باید قدری تعدیل در میل مالک شود آن تعدیل در مرحله اول تراش طرفین است که هیچوقت اسقاط حق مالکیت نمی کند .

ولی اگر اختلافی پیدا شد و مالکی خواست آنطور که آقا گفتند حسن ظن داریم باینکه تمام افراد اینطور خواهند بود حسن ظن برای عمل مدرک نیست و موقع تشخیص منافع است و تمام اشخاص و افراد ذینفع را هم نمیشود مجبور کرد که تو یا اخلاقاً رعایت منافع عموم را بکنی میگوید خیر رعایت این اخلاق را نمیتوانیم .

بنابر این ملک را که امروز تشخیص داده شده است فقط دارد بقران مبلغ میدهم میل داری بقر میل نداری بقر این جا اگر ما به تعدیل قائل نشویم لازمه رعایت میل مالک این است که فقط استخراج نشود این بود که ما گفتیم باریت نرخ عادلانه وقت و این در صورتی است که بین مالک و صاحب امتیاز اختلاف پیدا شود اختلاف هم پیدا است که از لحاظ زیاد روی است بنا بر این این جا میآیند و میگویند نرخ عادلانه وقت را رعایت کند و رفع مذاکره و مشاجره و منازعه بشود این را برای چه گفتند ؟

برای این گفتند که مدرک حکمت دولت باشد . آن رعایت خصوصیات محلی هم که سابق بود برای مدرک حکمت دوات بود دولت میخواهد بین کپانی و صاحب ملک حکمت کند باید از روی يك اصلی حکمت بکند این جا آن اصل را قید کرده اند سابق رعایت خصوصیات محلی بود یعنی اگر دولت بخواهد رفع منازعه کند باید خصوصیات محلی را مآخذ حکمت خودش قرار بدهد حالا عوض رعایت خصوصیات محلی رعایت نرخ عادلانه وقت است .

این مأخذ مدرک از برای حکمت حکومت دولت است نه چیز دیگر و نرخ عادلانه وقت بمقیده بنده نافع تر و کافی تر و وافق تر است برای مالکین تا رعایت خصوصیات محلی برای اینکه امروز که کپانی صاحب امتیاز صد پانزده از هر ولایت را انتخاب می کند .

البته آقایان تصدیق دارند که زمین را برای حفر چاه اختصاص نخواهند دادند و همه را متقاعد کردند .

برای اینکه در ظرف شش سال دو چاه باید حفر کند و بعد از آنهم هر دو سال يك چاه جدید حفر کند . این می شود در آن چهل و چهار سال که باقی می ماند بیست و دو چاه دو چاه هم در شش سال اول این بیست و چهار چاه حداقل بیست و چهار چاه را که تماماً معلوم نیست در يك قطعه از صد پانزده حفر بکنند در تمام قسمت ها حفر خواهد کرد و تمام این صد پانزده را هم که نمی تواند چاه بکنند سایر مؤسسات هم لازم دارد مخزن میخواهد کارخانه می خواهد .

چیزهای دیگری خواهد بنا بر این وقتی که تشخیص داده شد در این زمین فقط است و او می خواهد برای استخراج نفت خریداری کند تا آن زمینی که می خواهد انبار بسازد نرخ عادلانه اش فرق می کند برای اینکه طبعاً این اختلاف بیش می آید که زمینی که در آنجا تشخیص داده شد نفت دارد قیمت عادلانه اش چه چیز است ؛

این را مقایسه نمی کنند با آن اراضی که برای تأسیسات دیگر میخواهند و وقتی که معلوم شد این جا نفت است قیمت عادلانه اش مقایسه میشود نسبت بآن زمینی که فقط دارد نه نسبت بسایر زمین ها . بنا بر این این عبارت که نرخ عادلانه وقت باشد مقیده بنده نفع است مجال مالکین تا آن عبارت اول خصوصیات محلی و همانطور که عرض کردم این مدرک است برای حکمت و حکومت دولت های وقت که هر وقت منازعه شد از روی این اصل نرخ عادلانه آن وقت و آن روز را در نظر بگیرند .

بالاخره بین مالک و صاحب امتیاز را صالح بدهند آنهم بطوریکه احجاف نشود . بنا بر این تصوری کنم هیچ محظوری ندارد .

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است) (مده دیگر - خیر کافی نیست) رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند . (جمعی از نمایندگان برخاستند) رئیس - اکثریت است . پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب قرائت می شود .

(بشرح آتی خوانده شد) چون یک ساعت از ظهر میگذرد و هوا خیلی گرم است و این ماده خیلی مهم است و باید موافق و مخالف صحبت کنند تا راه حل پیدا شود لذا پیشنهاد میکنم جلسه ختم بوقیه مذاکرات برای برای جلسه بعد بماند .

(از طرف نمایندگان صبح است) رئیس - پیشنهاد مخالفی دارد یا خیر ؟ آقا سید یعقوب - بنده مخالفم . چون که این پیشنهاد برخلاف رأی است

که ما الان دادیم که مذاکرات نسبت بماده کافی است و ایشان نوشته اند که مذاکره در این ماده بماند برای جلسه آتی تا مخالف موافق صحبت بکنند پس لا اقل پیشنهاد کنند که مذاکرات نسبت ببیشنهاد هائی که تقدیم شده بماند برای جلسه دیگر و از جهت این که این پیشنهاد مخالف بارائی که فعلاً داده ایم بنده مخالفم .

رئیس رأی میگیریم ببیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب مذاکرات در ماده کافی شده است ؟ رئیس - بلی حاج میرزا عبدالوهاب - خوب پس بنده راجع بان قسمت ختم جلسه اش فقط پیشنهاد می کنم و راجع بان قسمت که مذاکرات موافق و مخالف بماند برای جلسه بعد پس میگیرم و پیشنهاد میکنم که مذاکره در پیشنهادها بماند .

رئیس - ما هم همین میخواستیم رأی بگیریم . رأی میگیریم ببیشنهاد . . . مدرس - مخالف ندارد ؟ آقا سید یعقوب - بنده مخالف بودم رئیس - چون ایشان مخالفت کردند باید رأی گرفته شود آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد وزیر مالیه . گویا در اظهاراتی که بنده در موضوع بودجه برج سرطان کردم سوء تفاهمی برای دوفتر از آقایان نمایندگان شده است و آن لفظ تکذیب بود مقصود بنده تردید بود و قصد توهینی نسبت بدو نماینده محترم نداشتم . رئیس آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - در دستور عرض داشتم بعد که معین فرمودید عرض می کنم رئیس آقای رئیس التجار (اجازه) رئیس التجار لایحه وزارت مالیه تقدیم مجلس کرد که بکمسیون قوانین مالیه رفت راجع بیوست بره که چند روز است راپورتش طبع شده دو سال است مانده است تمام تجاری که پوست دارند منتظر تصویب این لایحه اند

رئیس جلسه آتی و وزیریکشنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم لایحه نفت بعد لایحه بیوست بره .

آقای ارباب کیخسرو (اجازه) ارباب کیخسرو - در چندی قبل این جا پیشنهادی شد راجع بحقوق صاحب منصبان نظامی يك قسمتش گذشت ولی يك قسمتش تصویب نشده و همین طور مانده است در صورتیکه حقوق سایر ادارات تصویب میشود خوب است تکلیف يك عده دیگر

از اشخاص هم که منتظر هستند معین شود . بنا بر این بنده تقاضا می کنم راپورت کمیسیون بودجه راجع باین مسئله جزء دستور جلسه آتی معین شود . رئیس لایحه دولت راجع ببودجه سرطان مطرح است آن را هم جزء دستور می گذاریم آقای داور (اجازه) داور بنده یکی راجع بان مسئله که فرمودید می خواستم مذاکره کنم یکی هم اینکه از طرف وزارت داخله سؤالی از مجلس شد و تفسیری تقاضا شده بود راجع با اکثریت هیئت نظار چون الان محل ابتلاء است و یکی از محل های انتخابیه محتاج باین مسئله شده اند و کمیسیون هم نظر خودش را اظهار کرده است تقاضای کنم جزء دستور شود چون چیز مفصلی هم نیست . رئیس آقای نظم الملک (اجازه) نظم الملک - بنده راجع ببودجه سرطان می خواستم عرض کنم که جزء دستور شد . (مجلس يك ساعت و بیست دقیقه از ظهر گذشته ختم شد)

م-شهاب رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک معظم السلاطین

جلسه ۴۴ صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه ۱۳۴۳ محرم مطابق دوازدهم اسد ۱۳۰۳ (مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید) صورت مجلس یوم پنجشنبه نهم اسد را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند رئیس آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - در آن پیشنهاد بنده که چهار هزار تومان نوشته بود بنده تصریحاً عرض نکرده بودم . . . . تومان نوشته بودم لا اقل چهل هزار تومان رئیس - لا اقل اضافه میشود دیگر ایوادی نیست آقای همدان السلطنه (اجازه) همدان السلطنه - بنده از تصویب صورت مجلس عرضی دارم . رئیس - بفرمائید همدان السلطنه - بعد از آنکه کمیسیون